



انترناسیونال ۴۴۳

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۹ اسفند، ۹ مارس ۲۰۱۲

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه



در مورد تقویم انقلابیون

برهنه

مصاحبه تلویزیون کانال

جدید با مریم نمازی

صفحه ۳

شور و عزم کنگره هشتم!

ارزیابی از کنگره هشتم حزب در گفتگو با مصطفی صابر

انترناسیونال: مصطفی صابر
قبل از کنگره با شما گفتگویی
داشتیم و شما تصویری از کنگره
ارائه دادید و انتظاراتتان را
گفتید. الان که کنگره برگزار شده

صفحه ۲

سرسخن

شکاف مرگ در محور ارتجاع

اسلامی



کاظم نیکخواه

هشت مارس امسال

از همین رو پرچم را شخصیت‌های
کمونیست و محبوب جهانی چون
مریم نمازی و مینا احدی برافراشتند.
صفحه ۱۳

شهلا دانشفر

هشت مارس امسال در شرایط

نورین جهانی و متحول و بعد از

انقلابات شمال آفریقا اتفاق افتاد و

"انتخابات" بی برنده و حکومت بدون آینده

بهبود مهرآبادی

مجلس" تقریباً به پایان رسید. این
بار سایه وحشت را بیش از هر
زمان دیگر می شد بر این
"انتخابات" دید. رژیم تمام
اسلامی تحت نام "انتخابات"

صفحه ۹

هیچ چیز بیش از تغییر و تحولات اخیر
در سیاست گروه اسلامی حماس نمیتواند
گویای وضعیت نزار جمهوری اسلامی و
حکومت بشار اسد و کل ارتجاع اسلامی
باشد. حماس که بعنوان یک بازوی سیاسی
جمهوری اسلامی و سوریه در منطقه عمل
میکرد و سالهای سال زیر چتر این دو رژیم
قرار داشته و از حمایت همه جانبه اقتصادی و
نظامی آنها برخوردار بوده، آشکارا اعلام کرد
و نشان داد که از این دو حکومت فاصله
میگیرد. و تنها و تنها دلیل این وضعیت همه
کس میدانند که بی آینده‌گی حکومت بشار اسد
و جمهوری اسلامی ایران در برابر انقلاب مردم
است. دو هفته پیش اسماعیل هنیه از رهبران
اصلی حماس در یک سخنرانی در مصر
خطاب به مردم مصر گفت: "به شما و به همه
ملل بهار عربی و یا بهتر بگویم زمستان
اسلامی درود می فرستم، درود بر ملت
قهرمان سوریه که در راه آزادی، دمکراسی و
اصلاحات تلاش می کند" او این سخنان را
بدنبال آن بیان کرد که جمعیت شعار میدادند
"نه به حزب الله نه به ایران". و به دنبال این
سخنان یکی دیگر از رهبران حماس نیز از
"مبارزه مردم سوریه برای آزادی" دفاع کرد.
پیش از آن نیز اعلام شده بود که رهبران
حماس از سوریه خارج میشوند و حماس مرکز
اصلی خود را به مصر و قطر منتقل میکنند.
اما این تمام ماجرا نیست. یک هفته بعد از
این احمد یوسف یکی دیگر از رهبران حماس
که نقش مشاور در وزارت خارجه حماس را
بعهد دارد در ارتباط با تهدیدات جنگی علیه

صفحه ۳

مافیای اقتصادی و مارتون گرانی

مهرآب دشتی از ایران
کمتراکسی است که
حکایت آفتابه دار مسجد شاه
رانشینیده باشد: آفتابه دار گفت که

صفحه ۹

صفحات دیگر

پیام مینا احدی به مناسبت ۸ مارس

صفحه ۱۳

انتشار تقویم و ویدئوی زنان برهنه

پاسخی به آذر ماجدی، عبدل گلپریان، صفحه ۱۵

مراسم باشکوهی به مناسبت هشت مارس

در سندانج برگزار شد

صفحه ۱۴

بیانیه جمعی از جوانان عضو حزب کمونیست کارگری

ایران به مناسبت ۸ مارس

صفحه ۱۵

شیث امانی از رهبران کارگری در شهر سندانج

از زندان آزاد شد

صفحه ۱۱

به اتحادیه های کارگری در سراسر جهان

وضعیت کارگران زندانی در ایران اضطراری است، صفحه ۱۱

اعتراضات گسترده در ذوب آهن اصفهان، صفحه ۱۰

هشت مارس به سبک مریم نمازی:

انقلاب علیا المهدی اوج میگیرد!، مصطفی صابر، صفحه ۱۶

متن سه سخنرانی در دفاع از قطعنامه های مصوب
کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران

سخنرانی حسن صالحی در معرفی قطعنامه "د باره شرایط
اضطراری در ایران"، صفحه ۷

سخنرانی شهلا دانشفر در معرفی قطعنامه در مورد جنبش
کارگری و جایگاه مجمع عمومی، صفحه ۶

سخنرانی محسن ابراهیمی در معرفی قطعنامه "خصوصیات
دولت برآمده از انقلاب"، صفحه ۸

پیامهای مهمانان کنگره بزبان انگلیسی

ترجمه حبیب بکناش، صفحه ۱۲

بازتاب هفته

سوریه در هفته ای که گذشت

محمد شکوهی

نمره به "پوشش اسلامی" دانشجویان دختر

پذیرش قوانین ضد زن از سوی فیفا

سیاوش آذری

وزنه ای به پای مردم روسیه

شهاب بهرامی

صفحات ۵-۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

شور و عزم کنگره هشتم!...

از صفحه ۱

نداده بود و به اصطلاح خودمانی اینقدر خوش نگذشته بود! سرحالی، شادابی، اتحاد و همدلی، و احساس اعتماد به نفس و فوکوس داشتن از سر و روی کنگره می بارید. فضا بسیار ریلکس و در عین حال پرشور بود. هرکسی حرف داشت و آمد حرف زد. از نمایندگان تا کارها و اعضای حزب و تا میهمانان. فکر کنم پرسخران ترین و پر چهره ترین و پر مصوبه ترین کنگره بود. و جالب این بود که همه در یک جهت حرف میزدند، همه یک احساس مشترک را بیان میکردند. کسی دیگری را تقض نمی کرد، تکمیل میکرد، تداوم می بخشید، وجهی دیگر را باز میکرد. لحظه ای نبود که آدم فکر کند کنگره خسته کننده است، بحث کم اهمیت است، تکراری است. هر لحظه شما را به لحظه بعد میکشاند. و صادقانه بگویم این خیلی هم سازمانیافته و طراحی شده نبود. گویی یک روح جمعی و احساس مشترک همه را هدایت میکرد. این احساس را هرکسی که آنجا حاضر بود، حتی آنها که برایشان به انگلیسی ترجمه میشد، و یا هر ناظر بی غرضی که از اینترنت کنگره را همزمان دنبال کرد، یا بعداً در تلویزیون فیلم های آنرا دید و یا الان ویدئوهای آنرا در یوتیوب می بیند، میگرد. عجیب نبود که حتی کارکنان هتل محل برگزاری کنگره از این فضا به وجد آمدند و در این رابطه از پشت میکرفن کنگره صحبت کردند. نمی دانم این فضا را در کنگره چند حزب سیاسی نه فقط در بعد ایرانی که حتی جهانی می توانید ببینید.

اما چرا اینطور بود؟ اگر از همه سطوح مشخص انتزاع کنم و به جوهر مساله پردازم، بنظرم علتش این بود که کنگره واقعاً بر یک حس مشترک، یک برداشت مشترک از دنیا و یک عزم مشترک دست گذاشته بود. این حس مشترک خارج از کنگره ما وجود داشت و ما آنرا بوجود نیاورده بودیم. این فضا و روحیه در واقع انعکاس یک موقعیت جهانی بود در ذهن شرکت کنندگان و برگزار کنندگان کنگره. به عبارت دیگر این



روحیه و فضای کنگره ریشه در این واقعیت داشت که بعد از چندین دهه سیاه و دشوار "نظم نوین" و "جنگ تروریستها" و غیره، بالاخره مردم عادی در مصر و تونس و اسرائیل و انگلیس و آمریکا و روسیه و سوریه و ایران و یونان و غیره به میدان آمده اند تا این وضع سیاه را عوض کنند. و فی الحال چهره جهان را عوض کرده اند. منظوم وقایع پرشور و خیره کننده ای است که در فاصله دو کنگره ما (دسامبر ۲۰۰۹ تا فوریه ۲۰۱۲)، از انقلاب ۸۸ در ایران تا همین انقلاب در جریان سوریه و مبارزات قهرمانانه مردم و کارگران یونان، صورت گرفته و یا جریان دارد. کنگره فرصتی شد تا ما اعضا و فعالین و دوستاناران حزب و هزاران نفری که در لحظه و یا بعد ناظر آن بود بتوانیم احساس و عزم مشترکمان را نسبت به دنیا بیان کنیم. بطور فردی و یا در جلسات کوچکتر و یا در فضای مجازی و مقالات، زیاد راجع به آن حرف زده بودیم. اما این بار در کنگره رسمی حزب، چشم در چشم همدیگر، در یک جمع ۲۰۰ نفره که نمایندگی صدها نفر را داشت، داشتیم نسبت به این وقایع حرف میزدیم و اعلام موضع میکردیم. این یک شور عجیبی ایجاد میکرد. این در واقع عزم و احساس ۹۹ درصدی ما بود که بیان میشد. اینکه بالاخره ما مردم عادی و له شده حالا در سیاست جهان جایی داریم. چنانکه از اوایما و پوتین و تا اسد و خامنه ای و باقی نمایندگان و سیاستمداران یک درصدی ما برخورد لرزیده و دهراس و تقلا هستند تا مگر فکری بحال نظام استثمار و سرکوب خود نکنند. در این نگاه عمومی و تاریخی، کنگره ما انعکاسی از تغییر توازن قوای جهانی بین حاکمان و محکومان در یک گوشه این دنیا بود. و عجیب نبود حزب ما که از همان اول حزب مبارزه محکومان علیه حاکمان بوده است در این کنگره چنین شاداب و با

اعتماد به نفس ظاهر میشد. از حق نگذریم، این خط و جهت را رهبری حزب و بویژه حمید تقوایی لیدر حزب از پیش تبیین کرده بود. ساعتها سخنرانی و صدها صفحه مطلب در باره آن منتشر کرده بود. و گرنه کنگره ما اینطور نمی شد. اگر اجتماعات راست ها و کنگره های چپ های دیگر در اپوزیسیون ایران را که اتفاقاً حول و حوش زمان برگزاری کنگره ما منعقد شد و پر بود از اختلاف و ریاکاری و مخفی کاری و یا دپرشن و ناامیدی و هیروت، با کنگره ما مقایسه کنید متوجه مکان و اهمیت کنگره و خط و رهبری این حزب میشوید. کنگره حزب در واقع محل تلاقی یک تمایل و احساس مردم محروم جهان و یک خط کمونیستی یا روزمین و رادیکال و روشن بود. و اینجا میخوام مشخصاً به سوال شما بپردازم. اگر به مصاحبه هایی که نشریه انترناسیونال قبل از کنگره با رهبری حزب کرده (و نه فقط مصاحبه ای که اشاره کردید) رجوع کنید، خواهید دید که چطور کنگره به انتظارات و توقعاتی که همه ما داشتیم جواب مثبت داده است. حالا شاید بتوانم بگویم که از انتظارات تک تک ما حتی فراتر رفت. تا آنجا که مشخصاً به مصاحبه من برمیگردد، دوباره آنرا نگاه کردم و دیدم گرچه روی همان خط و جهتی است که اشاره شد، اما هنوز قدری محتاط و کلی است. تا حدی هم ناگزیر بود. اما حالا بعد از کنگره میتوانم با قطعیت بیشتری بگویم که این واقعاً "کنگره ۹۹ درصدی" بود. تا آنجا که یک حزب فعال در سیاست ایران میتواند پرچمدار ۹۹ درصدی ما باشد، کنگره واقعاً سنگ تمام گذاشت. این فقط حرف من نیست، از فعالین سکولار در جمهوری آذربایجان، تا فعالین زن در افغانستان، تا کمونیست های عراقی، سوئدی، فرانسوی، ترکیه ای و آلمانی که در کنگره حضور داشتند، همه همین حس را گرفتند و آمدند و راجع به آن حرف زدند.

انترناسیونال: در مورد قطعه نامه ها و مصوبات کنگره چه نظری دارید؟ آیا تغییر محسوس در سیاستهای حزب ایجاد میکند؟

ضمیمه انترناسیونال منتشر خواهد شد

متن سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی در کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران به صورت ضمیمه انترناسیونال روز یکشنبه ۲۱ اسفند ۱۱) مارس) منتشر خواهد شد

مصطفی صابر: بنظرم تغییر اساسی ایجاد خواهد کرد. اینهم نه فقط بخاطر خود مصوبات و قطعه نامه هاست. بلکه باز بخاطر دیدن درست شرایط جهانی و اوضاع ایران و تاکید بر جهت گیری صحیح و فضایی است که کنگره ایجاد کرد. ولی قطعه نامه ها هم کاملاً در این جهت بود. کنگره بر چند نکته اساسی دست گذاشت. اینکه ۹۹ درصدی های جهان به میدان آمده اند و مساله کلیدی در این میان مساله دولت است. تصرف قدرت سیاسی توسط ۹۹ درصدی ها و خلع ید سیاسی و اقتصادی از یک درصدی ها باید در مرکز توجه قرار گیرد. کنگره ما دوباره کمون پاریس و دولت نوع کمون را در دستور جنبش رهایی بشر گذاشت. کاری که بطور غریزی و خودبخودی در میدان التحریر قاهره و اشغال وال استریت نیویورک صورت گرفته بود را متعین و معرفی کرد. کار اصلی را البته آنها کردند. الان تمام جهان میدانند که در مقابل پارلمانهای فاسد و حقه بازی های دمکراسی، ما نوع دیگری از بدست گیری اختیار زندگی را داریم که در اجتماعات التحریر و مجامع عمومی جنبش اشغال خود را نشان داد. خود الجزیره و سی ان ان و بی بی سی ناچار شدند این تقابل جهانی بین دولت بورژوازی و عمل مستقیم مردمی را نشان بدهند. اما کاری که ما کردیم این بود که نهایت سیاسی و منطقی این حرکت را در کنگره تبیین کردیم. به یک معنی میشود گفت حرف و فراخوان اصلی کنگره ما این بود: ما به کمون پاریس نیاز داریم. ولی اینبار در ابعادی جهانی. همانطور که پیام واقعی خود کمون بود. این البته مشخصاً درافزوده حمید تقوایی بود و فکر میکنم این



جلب توجه مجدد کارگران و محرمان و آزادیخواهان و کمونیستهای ایران و جهان به کمون به نام او ثبت خواهد شد. اگر حول همین یک نکته خوب کار کنیم و قطعه نامه های کنگره را عملی کنیم، دیگر صحبت از "تغییر محسوس در سیاستهای حزب" برای آن کم است. بنظرم موقعیت حزب را تماماً تغییر خواهد داد. نکته بعدی توجه کنگره به مبارزه طبقه کارگر از یک بعد سیاسی و اگر مایل باشید از تکامل گرایانه و اکونومیستی مسلط بر نگاه چپ سنتی) بود. این هم مساله بسیار تعیین کننده و خط دهنده ای است. بنظرم کنگره ما میتواند و باید نقطه شروعی برای عروج مجدد طبقه کارگر با پرچم کمون و حکومت کارگری باشد. در واقع جنبش ۹۹ درصدی ها باید با برقراری دولت نوع کمون تداعی بشود. و این بخصوص از کانال ایران میگردد. و این جنبه سومی است که کنگره ما روی آن دست گذاشت. اوضاع اضطراری ایران، بن بست و بحران بورژوازی در ایران و اینکه اینجا اوضاع مهیاتر از همه جاست تا یک نمونه از راه حل ۹۹ درصدی ها را جلوی چشم جهان بگذاریم. کنگره همه این را بروشنی در قطعه نامه ها و مصوباتش بیان کرده است. و بالاخره کنگره انتظار و توقع بالایی روی حزب کمونیست کارگری گذاشت. حالا صورت مساله برای همه ما این است که بنحو احسن به این توقع پاسخ دهیم. کنگره کار خودش را بخوبی انجام داد، حال نوبت تک تک ماست، چه در حزب و چه در بیرون حزب که به فراخوان آن پاسخ دهیم.

انترناسیونال: ممنون از شرکت شما در این گفتگو. *

زنده باد سوسیالیسم!

در مورد تقویم انقلابیون برهنه

مصاحبه تلویزیونی کانال جدید با مریم نمازی

محو شود نه صدایش شنیده شود، نه بدنش معلوم باشد، نه هویتش و نه شخصیتش، همه را میخواهند نابود کنند. به این خاطر برهنگی علیه این وضعیت در این دوره میتواند یک عمل انقلابی و رادیکال باشد.

سیمما بهاری: چه عکس العملی را از جانب مردم و رسانه ها شاهد بودید؟

مریم نمازی: عکس العمل واقعا عجیب بوده. من خودم چنین استقبالی را انتظار نداشتم. از دیروز که این تقویم منتشر شده تا الان حدود ۵۰۰۰۰ نفر کلیپ را نگاه کرده اند. خیلی ها از آن دفاع کرده اند. چیزی که جالب است حتی برای کسانی که در غرب زندگی میکنند میگویند همیشه بدن زن مثل یک کالا و یک وسیله استفاده میشود برای فروش مجلات و غیره و چقدر خوب و قدرتمند است که عکس های برهنه زن را میتوان دید که نه بعنوان کالا بلکه بدنشان را که وسیله سرکوب استفاده شده بعنوان یک

سیمما بهاری: مریم نمازی با تبریک روز جهانی زن به شما، اولین سوال این است که چرا این تقویم را منتشر کردید و انگیزه تان از این کار چه بود؟

مریم نمازی: منمهم به شما روز جهانی زن را تبریک میگویم. ایده تقویم این بود که اولاً از جوان مصری علیا مگدا المهدی حمایت کنیم که در اعتراض به جنبش اسلام سیاسی و در ضدیت با زن در مصر برهنه شد و بعنوان یک فریاد در دفاع از زنان و تحت فشارهای زیادی قرار گرفت حتی تازگی روده شد و بخاطر این کارش مورد اذیت و آزار و تهدید قرار گرفت. ما فکر کردیم از او به شکلی دسته جمعی حمایت کنیم و هم به این فریاد بپیوندیم که فریاد خیلی ها در سراسر دنیا است علیه اسلام سیاسی و علیه سیاست ها و برنامه های ضد زن آنها. برهنگی نوعی اعتراض مدرن علیه اسلام سیاسی و علیه حجاب اجباری است بخصوص چون اسلامی ها میخواهند زن کاملاً

وسيله آزادخواهانه و برای دفاع از زنان استفاده شود. نکته دیگر اینکه در مطبوعات غرب همیشه يك تيپ زن برای فروش مجلات و غیره وجود دارد ولی در این تقویم زنان خیلی متفاوتی هستند از زن مسن تا زنی که دارد به بچه اش شیر میدهد و کسان مختلف دیگری و تقویم از این زاویه هم مهم است. در ضمن در حالیکه اسلام سیاسی ادعا میکند که نگاه به زن در غرب ضد زن است ولی اسلامی ها فلسفه بهتری برای آزادی زن دارند اما آنها هم همین دیدگاه را روی زن دارند یعنی کسی که بدون شخصیت و هویت است. اسلام هم عینا مثل پورنوگرافی به زن نگاه میکند. به همین دلیل خیلی ها گفتند چقدر احساس خوبی میگیرند از این تقویم که به زیبایی بدن خارج از يك وسیله و يك کالا میتوان نگاه کرد که این نوعی آزادی را مطرح میکند.

سیمما بهاری: انتظارتان از زنان و بخصوص جوانان در ایران از این حرکت و این جنبش چیست؟

مریم نمازی: در این زمانه این يك کار خیلی مدرن و متفاوت است از

کارهای دیگری که علیه محدودیت های مذهب و اسلام و حجاب نشان میدهد. روشن است که وضع در ایران بسیار متفاوت است نسبت به اروپا و حتی نسبت به مصر. امروز عکسی از ایران منتشر شد که عکس برهنه چند عضو جوان زن و مرد حزب کمونیست کارگری در دفاع از این تقویم بود، چند مرد و زن که تقویم را پشت سر خود روی دیوار نصب کرده بودند و پلاکاردهائی با شعارهای

جالبی مثل نه به اسلام سیاسی یا در دفاع از برابری زن و مرد روی صورتشان گرفته بودند که صورتشان مشخص نشود. این خیلی جالب بود و به خیلی ها قوت قلب میدهد که این مساله همه ما است و راههای مختلفی هست که میتوانیم به این فریاد بپیوندیم. و واقعیت این است که مردم ایران و زنان ایران و جنبش رهایی زن در ایران جلو صف مبارزه برای این برابری است و تاثیریری که این تقویم و ویدئویی که چند زن ایرانی در دفاع از این تقویم تهیه کرده اند، سر و صدای زیادی کرده. در رسانه ها از ویستنام تا رومانی و انگلیس و فرانسه و سایر کشورهای غربی انعکاس پیدا کرده. این تنها

نقش قابل توجه جریانات اسلامی نظیر اخوان المسلمین شکل گرفت و تا سرنگون کردن بن علی و مبارک پیش رفت. حتی میتوان گفت جریانات اسلامی بعنوان مانعی بر سر انقلاب عمل کردند اما نتوانستند آنها سد کنند. گرچه اکنون این جریانات در انتخاباتهای این دو کشور اکثریت را کسب کرده اند، اما سطحی نگری است که کسی فکر کند این پایان ماجراست و این انتخاباتها آینده مصر و تونس را برای مدت های طولانی رقم خواهند زد. مبارزه و کشاکش در این کشورها هرروزه ادامه دارد و توازن قوا میان چپ و راست جامعه است که سیمما و آینده این جوامع را شکل خواهد داد. آنچه میخواهم تاکید کنم اینست که این انقلابات منطقه و انقلاب ۸۸ ایران به هرکسی نشان میدهد که ستوان ارتجاع اسلامی در حال ترك برداشتن است و آینده ای ندارد. انزوی جدی جمهوری اسلامی در سطح بین المللی نیز این چشم انداز را تشدید نموده است. جمهوری اسلامی در بدترین وضعیت بین المللی خویش قرار دارد. همین روزها حسین سلامی جانشین فرمانده کل

آمد. و با سقوط احتمالی رژیم اسد جمهوری اسلامی نیز نمیتواند از انقلاب مردم جان سالم بدر برد. در واقع این انقلاب ناتمام ۸۸ مردم ایران بود که ستون ارتجاع اسلامی را به لرزه در آورد و به همگان و از جمله به نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی نشان داد که جمهوری اسلامی روی يك آشفتن جدی دارد حکومت میکند و هر آن ممکن است فوران خشم مردم آنها به نابودی بکشاند. آن انقلاب همه مردمی را که تصویر خود از ایران و جمهوری اسلامی را از مدیای سرسپرده و نوکر نظیر بی بی سی و امثالهم گرفته بودند، شوکه کرد. آن انقلاب به همه این مردم نشان داد که اکثریت عظیم مردم ایران نه خواهان اصلاح حکومت اسلامی، بلکه در پی سرنگون کردن آن و دست یابی به زندگی ای انسانی هستند. پس از آن انقلابات مصر و تونس و سوریه از راه رسید که يك واقعیت را جلوی چشم مردم قرار داد و آن اینکه برخلاف آنچه وسیعا تصور میشود، نیروهای اسلامی بازیکن اصلی صحنه سیاست در این کشورها نیستند. انقلابات مصر و تونس بدون

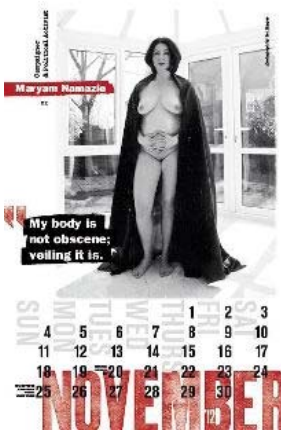
شکاف مرگ در محور ارتجاع...

از صفحه ۱

میکند که ممکن است حماس سیاست قدیمی "تابودی اسرائیل" را کنار بگذارد و به توافقات الفتح با اسرائیل کردن بگذارد. بدنبال این توافقات رهبران حماس مرادوات دیپلماتیک خود را تغییر داده و با دولتهایی که با جمهوری اسلامی روابط غیر دوستانه ای دارند مثل بحرین وارد روابط و مذاکرات شدند. البته روز بیست و دو بهمن امسال، اسماعیل هنیه به تهران سفر کرد و در کنار رهبران ایران عکس گرفت تا نشان دهد که چیزی تغییر نکرده است. اما برخی خبرها گویای اینست که جمهوری اسلامی بدنبال موضعگیریهای اخیر حماس در قبال سوریه و جمهوری اسلامی، کمکهای اقتصادی خود به این سازمان را معلق کرده است.

برای هرکسی روشن است که این تغییرات در سیاست يك سازمان تروریست اسلامی از کجا نشأت میگیرد. برای حماس مساله اینست که حکومت اسد بزودی در مقابل انقلاب مردم سوریه به زانو در خواهد

جمهوری اسلامی گفت "حماس وارد هیچ جنگی که میان ایران و اسرائیل درگیر نخواهد شد." و اضافه کرد که "حماس به هیچ محور سیاسی منطقه ای تعلق ندارد و فعالیت ما در فلسطین است" این موضعگیریها بیانگر چرخشهای بسیار جدی و استراتژیک در سیاست این سازمان است. البته باید توجه داشت که این مواضع نتیجه تحولاتی است که قبل از آن صورت گرفته و يك شاخص آن نزدیکی حماس به الفتح و مذاکره و توافقات الفتح و حماس بر سر برگزاری يك انتخابات تازه در منطقه فلسطین و پایان دادن به اختلافات میان این دو جریان متخاصم بود. حماس قبلا بهیچ وجه حاضر به مذاکره به الفتح نبود و حتی محمود عباس در جایی گفته بود که حماس نه فقط با الفتح حاضر به مذاکره نشده بلکه اصلا درخواست ما را برای مذاکره جواب نداده است. اما به یکباره این حماس بود که مبتکر معاهده با الفتح شد و نشانه هایی وجود دارد که این احتمال را تقویت



قدم نیست اما يك قدم مهم در مبارزه علیه سیاست های ضد زن جنبش اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی است.

سیمما بهاری: خیلی متشکر از شما مریم نمازی. ما این اقدام شجاعانه تان را ارج مینیم

مریم نمازی: خیلی ممنون و با آرزوی يك روز خیلی خوب برای همه بینندگان شما و به امید يك روز که واقعا آزادی و برابری در ایران برقرار بشود. امیدوارم آن روز دور نباشد و بتوانیم هشت مارس آینده را در ایران به هم تبریک بگوئیم.*

سپاه پاسداران جمهوری اسلامی اعتراف کرد که "جمهوری اسلامی در اوج محاصره اقتصادی، فنی، علمی و اقتصادی قرار دارد"

همه این عوامل به جریانی مثل حماس هشدار میدهد که اگر بخواهد متلاشی نشود باید هرچه زودتر حساب خود را از این حکومتها خلاص کند. اما مشکل حماس اینست که تصور میکند این فقط آینده حکومتهای جمهوری اسلامی و بشار اسد است که تیره و تار است. و متوجه نیست یا نمیخواهد قبول کند که این کل جنبش اسلام سیاسی است که به تنگنای جدی افتاده و در واقع باید گفت دوره اش دارد به سر میرسد. در کوتاه مدت جلو آمدن جریانات اخوان المسلمین در مصر و تونس فضای نفس کشیدنی برای اینها باقی خواهد گذاشت اما کافی است حکومت اسد و بویژه جمهوری اسلامی جارو شود تا کل اسلام سیاسی حتی "میان روهی" نوع ترکیه ایش نیز که این روزها بازار پیدا کرده اند، به سرازیری انزوا و اضمحلال بیفتند.*

بازتاب هفته

وزنه ای به پای مردم روسیه



شهاب بهرامی

یکشنبه گذشته چهارم مارس انتخابات ریاست جمهوری روسیه با پیروزی ولادیمیر پوتین به پایان رسید. اما مخالفان پوتین و ناظران بین المللی براین باورند که این انتخابات، بسان انتخابات جنجالی دسامبر گذشته آن کشور، با تقلبات وسیع و برنامه ریزی های دقیق دار و دسته پوتین و حزب طرفدار وی یعنی حزب "روسیه متحده" همراه بوده و لذا اعتبار قانونی ندارد. بعد از اعلام پیروزی پوتین اعتراضات وسیعی در مسکو و بعضی از شهرهای بزرگ در مخالفت با او شکل گرفت و ده ها هزار نفر در این اعتراضات و میتینگها شرکت کردند. تا روز چهارشنبه نزدیک به چهار هزار شکایت در رابطه با نحوه رای گیری ها بدست پلیس و نهاد های مربوطه رسیده و مخالفین پوتین برای تظاهرات و اعتراضات قوی تری خود را آماده می کنند. آنتون نوزویک یکی از ویلاگ نویسهای مطرح روسی در گفتگو با خبرنگاری از بی بی سی می گوید: "در دسامبر گذشته ده ها هزار نفر از اهالی مسکو به خیابانها ریختند و از دولت خواستند تا دست از تقلب بردارد، آنها با اعتقاد به اینکه مقامات رای هایشان را در انتخابات پارلمانی دزدیده اند، فریاد می زدند: "ما انتخابات سالم می خواهیم" آنتون نوزویک بیاد می آورد که "ما در سال ۲۰۰۷ وقتی حزب کمونیست به دادگاه عالی رفت از این حزب پشتیبانی نکردیم، این حزب پرونده ای دویست جلدی درباره ادعای فساد انتخاباتی را به دادگاه برد، اما اهمیتی ندادیم. ما حکومت را بحال خودش گذاشتیم چون حکومت هم ما را به حال خود گذاشته بود".

هشت ساله زمامداری پوتین، مخالفان زیادی یا به زندان افتاده و یا کشور را ترک کردند. گزارش بسیاری از فساد مالی گسترده، دزدی ها و جنایات پوتین و همکاران او منتشر شده است. در پی این افشاگری ها چندین روزنامه نگار منتقد ترور شده و فعالین زیادی مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. مخالفان واقعی او راهی برای حضور در انتخابات نیافتند و انتخاباتی هم که طی این سالها برگزار شده، تنها با حضور احزاب و گروههای مخالفی بوده که تحمل شده و یا از سوی حکومت دستچین شده اند.

دکترین پوتین و یا بزعم عده ای "پوتینیسیم" بازگشت به ساختارهای پر قدرت دولتی و کنترل نظارت مستقیم مرکزی است. این دکترین در حقیقت تاکید دوباره ایست بر حضور پر رنگ دولت که با سوار شدن بر موجی از نگرانیهای عمومی ناشی از هرج و مرج دوران بعد از فرو پاشی و بلبشوی ناشی از زمامداری یلستین، دوباره زمینه را برای قدرتی شخص وی فراهم آورده است. پوتین با اتکا به مردانی از قماش خودش که همگی از کادرهای صدر ک.گ.ب. بودند و با میدان دادن به آنده از نظامیان و وزرای قدرتمند، که خود دولتی در دولت یلستین به حساب می آمدند توانست دوباره اقتدار از دست رفته دولت مافوق و قدرتی را احیا کند. در این میان کشیشان کلیسای ارتدوکس که افسار بریده اند و هیچکس از طول و عرض و حجم سرمایه های نجومی این مردان خدا که امروز به مردان پوتین شهره اند، خبر ندارد در حمایت از کاندید شدن مجدد پوتین سنگ تمام گذاشتند. آقای بطریق کیرکل اول، رهبر کلیسای ارتدوکس روسیه با حمایت همیشگیش دوران رئیس جمهوری پوتین را "دوران معجزه" خوانده است. کلیسای ارتدوکس طی سالهای زمامداری پوتین به مهمترین نهاد سیاسی تاثیر گذار بعد از نهاد دولت تبدیل شده و این دو نهاد با هماهنگی کامل تمامی قدرت را در دستان خود قبضه کرده اند.

احیای روسیه ابر قدرت، تقویت حکومت نظم و قانون، توزیع عادلانه

پذیرش قوانین ضد زن از سوی فیفا

سیاوش آذری

بدون پوشش مذهبی را نمی دهد. از دیگر سوی، برخی منتقدین چپ سنتی و فمینیست در همراهی با جنبش اسلام سیاسی این کودکان را نه قربانی قوانین اسلامی بلکه قربانیان قوانین فیفا قلمداد کردند. در ادامه زد و بند های پشت پرده بالاخره فیفا از موضع خود عقب نشینی نمود و با راه حلی مشابه مایوی اسلامی به استفاده از حجاب اسلامی چراغ سبز نشان داد. این اقدام فیفا عملی در راستای سیاست بورژوازی جهانی در مفاشات با جنبش اسلامی و حمایت از اسلام "خوش خیم" است. با این اقدام فیفا نه تنها در تقابل با قوانین خود و عرف ورزشی بلکه به روشنی در موضع حمایت علنی از بی حقوقی زنان و کودکان در جوامع اسلامزده قرار گرفته است. این اقدام فیفا باید توسط جریانات، سازمانها، نهادها و فعالین حقوق بشر، حقوق زنان و حقوق کودکان و نیروهای مترقی صریحا و به شدت محکوم گشته مورد اعتراض واقع گردد.

سرگرم گز کردن بالاو پایین بردن فتنه دمکراسی است. آنچه مسلم است بیداری وسیع مردم روسیه به مدد اینترنت و دنیای الکترونیک حکومت کردن به سیاق گذشته را برای حاکمان سختتر کرده و مشخصا شخص ولادیمیر پوتین هم نیز قادر به اداره حکومت به شیوه های سابق نخواهد شد. اگرچه قرار است او به مدت شش سال دیگر رئیس جمهور باشد اما بنظر می رسد ولادیمیر پوتین وزنه سنگینی است که به پای مردم مردم بسته شده و لازم است که راه و چاره ای بجویند. آیا مردم روسیه می توانند این وزنه را از پای خود باز کنند؟ بهار عربی راه را نشان داده است. *

درآمد و بازسازی "دولت رفاه" از اهم شعارهای انتخاباتی پوتین بشمار می رفت. اما شعارهای انتخاباتی نبود که مردم را گول زد و وی را برای بار سوم به صندلی ریاست جمهوری، نشانند بلکه عدم وجود حزب سیاسی که بتواند خواست های آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم را مطرح سازد و سیاست و تلاش و اراده بورژوازی روسیه چنین انتخابی را به مردم تحمیل کرد. انتخاب بین بد و بدتر! و این تمام سهمی بود که مردم در تلاششان برای زندگی بهتر و رسیدن به آزادی بدست آوردند. جنبش اعتراضی روسیه لنگان لنگان بحرکت درآمده است. اما خواسته های روشن و رادیکالی ندارد و همچنان

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس
ترجمه جمشید هادجیان
برای تهیه کتاب یا این متن ها با ایلان ها تماس بگیرید
فرانسه و کانادا: +33 (0)1 47 35 60 00
ایران: +98 (0)21 886 60 00
دبی (امارات): +971 (0)4 399 8866
www.marxistbooks.com

کارل مارکس
سرمایه

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

بازتاب هفته

سوریه در هفته ای که گذشت!



محمد شکوهی

در طول هفته اخیر در بیش از ۱۰۰ شهر تظاهرات ها و اعتراضات مردم بر علیه رژیم اسد، ادامه داشت. این تظاهرات به پایتخت سوریه رسید و روز سه شنبه در دمشق تظاهرات دهها هزار نفری بر علیه رژیم برپا گردید. شعار محوری این تظاهرات سرنگونی رژیم بود. در حالیکه اعتراضات در سراسر سوریه ادامه دارد، ارتش و نیروهای نظامی و اطلاعاتی به سرکوب مردم ادامه می دهند. در شهر حمص درگیریها ادامه دارد. در جنگی که ارتش سوریه پیش از یک ماه است بر علیه مردم حمص آغاز کرده هزاران نفر کشته و مجروح شده اند. بیش از ۳۰۰ هزار نفر از جمعیت یک و نیم میلیون نفری این شهر مجبور به ترک آنجا شده اند. با بالا گرفتن شدت حملات و کشتار مردم توسط ارتش سوریه، عصر روز یکشنبه هفته گذشته نیروهای مسلح مردمی با صدور اطلاعیه ای اعلام کردند که از شهر خارج می شود تا بهانه به دست جانیان رژیم برای سرکوب و کشتار مردم ندهد. اما بر اساس گزارشات منتشر شده با خروج "ارتش آزاد سوریه" از محله بابا عمرو در شهر حمص، ارتش و نیروهای سرکوبگر اقدام به کشتار گسترده مردم کرده و اقدام به انجام اعدام های دسته جمعی زخمی ها و وابستگان خانواده های فعالین سیاسی نموده اند. با شدت گرفتن این جنایات از دو هفته پیش صلیب سرخ و سازمانهای امدادگر جهانی در تلاش برای قبولاندن آتش بس به رژیم اسد بوده اند، که موفق نشده اند. اواخر هفته گذشته دولت سوریه اجازه ورود به امدادگران به حمص را داد ولی تاکید کرده است که امدادگران اجازه ورود به شهرک بابا عمر را ندارند. مسئولان صلیب سرخ و سازمانهای امداد رسانی به خبرنگاران گفته اند که اوضاع شهر حمص بحرانی و اسفناک می باشد. شهر به ویرانه ای تبدیل شده، اجساد کشته شدگان در خیابانها

شان را به دمشق منتقل کردند. رژیم اسد روز بروز به طرف فروپاشی می رود. کنترل بخش های زیادی از سوریه در دست مردم است. نیروهای امنیتی چندین شهر را هفته هاست که محاصره کرده و اقدام به بمباران این شهر ها نموده اند. هزاران سرباز جدا شده از ارتش اسد به صفوف مردم و انقلاب پیوسته اند. بر اساس گزارشات منتشر شده رژیم اسد از ترس فرار گسترده سربازان و رده های پائین ارتش با صدور بخشنامه های امنیتی دستور اعدام های گسترده را در نیروهای مسلح صادر کرده است. نیروهای اطلاعاتی و پاسداران اعزامی جمهوری اسلامی در همه واحدهای نظامی ارتش حضور داشته و تحرکات "مشکوک سربازان" را رصد می کنند. به گفته منابع مخالفان رژیم اسد جوخه های اعدام در ارتش و نیروهای مسلح سازماندهی شده است. ترس و وحشت رژیم از پیوستن سربازان به انقلاب مردم و گسترش حملات مسلحانه بر علیه رژیم روبروز بیشتر و بیشتر می شود.

سقوط رژیم بشار اسد خطر بزرگی برای جمهوری اسلامی است. از اینرو حکومت اسلامی تمام تلاش خود را برای سرپا نگاه داشتن متحد خود انجام می دهد. از اعزام نیروی نظامی سپاه پاسداران گرفته تا ارسال تسلیحات نظامی و صدور نفت بلاعوض برای رژیم، مجموعه اقدامات حمایتی جمهوری اسلامی از رژیم اسد می باشد. براساس اخبار و گزارشات منتشر شده در رسانه های جهانی سپاه پاسداران نزدیک به ۲۰ هزار نفر در سوریه مستقر کرده است. کنترل شهر های بزرگ، بویژه دمشق در دست این نیروها می باشد. بدون حمایت جمهوری اسلامی و دار و دسته های اسلامی تروریست از رژیم اسد، این حکومت مدتها پیش سقوط میکرد. اینکه تا چه اندازه جمهوری اسلامی خواهد توانست در نجات رژیم اسد از دست انقلاب مردم سوریه به جایی برسد، زیر سوال است. جمهوری اسلامی که خود در داخل با اعتراض و خطر انقلاب مردم مواجه می باشد، در سطح جهانی و منطقه ای در بدترین و تضعیف شده ترین موقعیت قرار دارد و هر آن خطر سر باز کردن اعتراضات مردم ایران تهدیدش می کند. سرنگونی اسد کار انقلاب آتی مردم در ایران برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی را تسهیل

نمره به "پوشش اسلامی" دانشجویان دختر

سیاوش آذری

غیر مستقیم و موزیانه واداشته است. رژیم تلاش دارد با استفاده از استادان هم وضعیت دانشجویان را مستمتر پیگیری کند و هم با این حربه فضای دانشگاه ها را بیش از پیش پلیسی کرده موجبات هراس و بدبینی دانشجویان و استادان را فراهم سازد. با این وجود بیانات ضد و نقیض مسئولان رژیم در این رابطه خود گویای وضعیت شکننده رژیم و همچنین عدم باور مسولان جمهوری اسلامی به موفقیت این طرح است. از دیگر سوی نفس مطرح شدن چنین پروژه ای در این شرایط اعتراف رژیم به شکست سیاستهای تاکتونی اش در راستای اسلامی کردن جامعه و دانشگاه هاست. رژیم از این طریق بی ربطی خود به جامعه و به فرهنگ مدرن، آزادیخواهانه و سکولار آن را بار دیگر به نمایش گذاشته است. به علاوه، این طرح تاکید مجددی بر محوریت حجاب اسلامی به عنوان نماد سرکوب و بندگی زن و به انقیاد کشیدن جامعه نزد جنبش نکبت بار اسلام سیاسی است. زن ستیزی و آپارتاید جنسی وجوه جدا ناپذیر جنبش اسلام سیاسی هستند و حجاب اسلامی بارزترین نماد این وجوه را تشکیل میدهد. از اینرو مبارزه بر علیه حجاب اسلامی، از مهمترین عرصه های مبارزه بر علیه اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی است. *

خواهد کرد. تداوم مبارزه مردم سوریه موجب شده تا در عرصه دیپلماسی جهانی لحن ها و شیوه برخورد به رژیم اسد متفاوت شود. در همین راستا شورای امنیت در نظر دارد قطعنامه محکومیت رژیم اسد را یک بار دیگر به رای بگذارد. مواضع چین و روسیه در حمایت از رژیم اسد تفاوت کرده است. این دو کشور خواهان "کمک رسانی به مردم حمص" شده اند ولی در عین حال از محکومیت جنایات رژیم اسد خودداری می کنند. در این هفته اوپاما و بعضی از نامزدهای حزب جمهوریخواه آمریکا در شواهی انتخاباتی شان لحن تند تری در قبال سوریه اتخاذ کرده و خواهان دخالت

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب



معرفی قطعنامه در مورد جنبش کارگری و مجمع عمومی

شهلا دانشفر

رفقا این قطعنامه در مورد جنبش کارگری و جایگاه مجمع عمومی است. از يك زاویه معین و بسیار مهمی ما فکر کردیم ارائه این قطعنامه مهم است. پیشنهاد دهنده این قطعنامه کاظم نیکخواه و من هستیم و رفقا بهروز بهاری، مرتضی فاتح، بهمن خانی و اصغر کریمی امضا کنندگان آن هستند. از ایران نیز رفقا رها آزاد و یاشار سهندی آنرا امضا کرده اند.

این قطعنامه سه محور اصلی دارد. یکی اوضاع جامعه است. اوضاع سیاسی جامعه است. جامعه در حال انفجار است. فقر، گرانی بیداد میکند. بطوریکه بطور واقعی زندگی کارگران و کل جامعه را به تباهی کشانده و خانواده های بسیاری را از هم پاشیده است. قطعنامه به این شرایط اشاره دارد و اعلام میکند که علیرغم همه این فلاکتها، علیرغم سرکوبها، علیرغم اعدامها و دستگیر کردنها ما با جامعه ای در حال انفجار روبرویم. و جنبش کارگری يك فاکتور مهم فعال نگاهداشتن فضای سیاسی جامعه بوده است. شاید اگر از خود کارگر پیرسید این تصویر را از خودش و مبارزاتش نداشته باشد. اما بطور واقعی نقش سیاسی مهم جنبش کارگری و اعتراضات کارگران را میتوان آشکارا دید. همیشه يك عرصه مهم اعتراض علیه جمهوری اسلامی جنبش اعتراضی کارگری بوده است. ولی بویژه بعد از سال ۸۸ و بعد از سرکوب مبارزات مردم آن عرصه تعیین کننده مبارزه که ماند و تداوم یافت جنبش کارگری بود. و نه تنها این بلکه گسترش پیدا کرده، تکثیر شده، تعرضی تر شده و دامنه اش به مراکز کلیدی کارگری ای چون پتروشیمی ماهشهر و مراکز بزرگ کارگری کشیده شده است. به همین دلیل جنبش اعتراضی کارگری امروز بیش از هر وقت به يك فاکتور مهم در سیر تحولات جاری تبدیل شده است و نقش طبقه کارگر در این شرایط جایگاه و وزن مهمی دارد.

از اینجاست که جنبش مجمع عمومی کارگری بیش از هر وقت

جایگاه مهم و کلیدی ای پیدا میکند. برای اینکه اتکا به مجمع عمومی کارگر را به ظرف اعمال اراده مستقیم خود، به ظرف تشکل خودش و به میدان والستریت خودش مجهز می کند. از این زاویه این قطعنامه مهم است. و از این زاویه مجمع عمومی کارگری در اوضاع سیاسی امروز اهمیت می یابد. که با اتکا به آن به کارگر میگوییم با این ظرف فرصت پیدا خواهی کرد که اعتصابات سراسری خود را به راه بیندازی، با این ظرف فرصت پیدا خواهی کرد که در اوضاع سیاسی جامعه نقش ایفا کنی و با این ظرف فرصت پیدا میکنی که دست نیروهای حراست و نیروهای سرکوبگر را کوتاه کنی و از کارخانه بیرون بیندازی آنها را. کارخانه ها را از حالت پادگانی در بیاوری. کارخانه هایی مثل ایران خودرو که يك پادگان است. مثل پتروشیمی ماهشهر يك مانع مبارزات کارگران وجود حراست و دست اندازی های آنست. اینها را میشود با اتکا به قدرت مجامع عمومی کارگری بیرون انداخت. همانطور که در نیشکر هفت تپه وقتی ۵۰۰۰ کارگر جمع شدند توانستند هم تشکل خود را ایجاد کنند و هم توانستند بریزند پشت درب اطاق حراست و رییس حراست را از کارخانه خود بیرون بیندازند. با این ظرف میشود شوراها اسلامی را از کارخانجات بیرون انداخت. مثل کارگران کیان تایر. این کارگران با برگزاری مجمع عمومی بزرگ خود ۲۷ نماینده انتخاب کردند و بعد هم گفتند باید شوراها اسلامی پرود و اطفاش را تخلیه کند و نمایندگان ما کارگران باید در آنجا باشند. بنابراین راه عملی اینکه کارگر بتواند با تشکل خودش قد علم کند، راه عملی اینکه بتواند مبارزات جاری خود را به جایی برساند، راه عملی اینکه بتواند امروز در اوضاع سیاسی امروز نقش ایفا کند و قدرتمند جلو بیاید و خواستهای کل جامعه را نمایندگی کند متکی شدن به جنبش مجامع عمومی کارگری است. به معنای دیگر اوضاع جهانی دارد و بویژه جنبش والستریت برای کل جامعه و کارگران الگوی سازمانیابی و

قدرتیابی مبارزاتشان را بدست داده است. والستریت، التحریر و اعمال اراده مستقیم توده ای به گفتمانی جهانی تبدیل شده است. امروز این قطعنامه دارد از این زوایا به مساله مجمع عمومی نگاه میکند. ما همیشه از مجمع عمومی کارگری بعنوان ظرف سازمانیابی توده ای کارگری صحبت کرده ایم. اما امروز در اوضاع سیاسی متفاوتی هم در ایران و هم در جهان داریم از جایگاه و نقش مجامع عمومی کارگری حرف میزنیم. بحث فقط بر سر آلترناتیو های مختلف بر سر سازمانیابی کارگری نیست. بحث حتی فقط بر سر تشکل نیست. بلکه بحث بر سر امکانیابی برای اعمال اراده توده کارگر و مردم است. بحث بر سر دخالتگری است. بحث بر سر حضور و نقش ما کارگران ما ۹۹ درصدی هاست. و جواب ما برای حضور و نقش این ۹۹ درصدی ها مجمع عمومی است. کارگر با این ظرف میتواند بیاید و جلوی هر نوع ساخت و پاختی را بگیرد. بطور عملی نیز ما می بینیم که کارگر شرکت واحد انجایی که توانست ۵۰۰۰ کارگر را جمع کند توانست اعتصابش را راه بیندازد، توانست سندیکایش را درست کند. و همین تشکل های موجود تا همین حالا نقش مهمی در راه انداختن جنبش مجمع عمومی داشته اند.

در عین حال در اعتراضات کارگران تا کنون نقطه قدرت کارگران متکی بودن آنها به مجمع عمومی و اجتماعات کارگری بوده است. تا جاییکه توانسته در مقابل توحش جمهوری اسلامی بایستد و نقش مهمی در توازن قوای جامعه ایفا کند. هزاران کارگر پتروشیمی ماهشهر وقتی دست به اعتصاب زدند، متکی به پرپیایی اجتماعات خود بودند. نمایندگان خود را انتخاب کردند و چون جمهوری اسلامی محیط های کار را شقه شقه کرده و هر بخش را به پیمانکاری سپرده است، این کارگران با راهپیمایی خود در محوطه مجتمع بخش های مختلف این مرکز کارگری بزرگ را به اعتصاب میکشانند. و ما بدین ترتیب شاهد اعتصاب حدود ده مرکز

پتروشیمی ماهشهر در فروردین امسال بودیم. نقطه قدرت این کارگران جمع شدنهایشان و اتحادشان بود. بطوریکه امروز این کارگران به جایی رسیده اند که میتوانند تشکل مجامع عمومی خود را بصورت منظم تشبیت کنند و نمایندگان منتخب کارگران در سطح کل منطقه شورای کارگران پتروشیمی ماهشهر را تشکیل گردد. همین الان بازنشستگان بیانیه داده اند و گفته اند که ما هر ماه مقابل تامین اجتماعی جمع میشویم و مجمع عمومی خود را تشکیل میدهم و نمایندگان خودمان را انتخاب میکنیم و والستریت خودمان را ایجاد میکنیم. والستریت امروز به گفتمان کارگران ایران تبدیل شده است. فعال کارگری را میگیرند و میگیرند اجازه نداری در مورد والستریت بحث راه بیندازی. و می بینید که کارگران جلوی تامین اجتماعی جمع میشوند و میگویند والستریت ایران. میخواهم بگویم مجمع عمومی امروز ترجمه این واقعیت است و قدرت کارگر است. بویژه در اوضاع سیاسی امروز ایران. از این زاویه به نظر من این يك قطعنامه سیاسی مهم و يك راهکار است. من میخواهم که کنکره به این قطعنامه رای دهد.*

عقب نشینی فرمانداری در مقابل کارگران نساجی مازنداران

پس از تجمعات اعتراضی کارگران نساجی مازنداران حقوق ۲ ماه کارگران پرداخت شد. یکی از این کارگران در این باره گفت بعد از تجمع کارگران این کارخانه در روز یکشنبه ۷ اسفند که در مقابل فرمانداری قائمشهر انجام شد، آنها متعهد شدند که تمام حقوق ۱۸ ماه پرداخت نشده کارگران را بپردازند و روز دوشنبه حقوق عقب افتاده ۲ ماه هر کارگر را پرداخت کردند. وی افزود چنانچه فرمانداری به وعده خود پایبند نباشد کارگران مجددا دست به تجمع اعتراضی خواهند زد.

تجمع صدها کارگر گروه صنعتی صفا

۴۰۰ نفر از کارگران گروه صنعتی صفا در اعتراض به عدم دریافت ۴ ماه حقوق خود، به احتساب ۲ ماه عیدی و پاداش در سالن استیرال کارخانه دست به تجمع زدند. مسئولین کارخانه از جمله قائم مقام گروه صنعتی و مدیریت کارخانجات صفا با حضور در این تجمع قولهایی در خصوص پرداخت يك ماه از حقوق معوقه کارگران تا پایان هفته دادند.

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

متن سخنرانی حسن صالحی در کنگره هشتم حزب در معرفی قطعنامه "در باره شرایط اضطراری در ایران"



فقر و فاقه مردم ابعاد وحشتناک و فاجعه آمیزی بخشیده است. این از مسائلی است که دامن جامعه را گرفته و باز هم اینجا پاسخ ما رفتن جمهوری اسلامی است. ولی در عین حال مردم باید با چنگ و دندان از معیشت و حق حیات خودشان دفاع بکنند و در مقابل تزییقاتی که به بهانه فضای جنگی به آنها روا داشته می شود، بایستند و رژیم را به چالش بکشند و جنبش دفاع از حیات و معیشت و منزلت آنطور که خود کارگران پیش از این گفته اند را در ابعاد سراسری و فراگیری راه بیاندازند و سدی در برابر جمهوری اسلامی ایجاد کنند. یکی از ویژگیهای این اوضاع این است که میتواند روحیه انتظار را در مردم بوجود بیاورد و یا در بین مردم حالت استیصال بوجود آورد. ولی جامعه ایران جامعه ایست در حال تلاطم و سابقه و پیشینه اعتراضات مردمی و کارگری زیاد است و به آن سمت نمیرود. بنظر من حالت انتظار و نگاه کردن به بالا حالتی پایدار نیستند و کوتاه مدت است و مردم با اعتراض و مبارزه خودشان میتوانند این اوضاع را برگردانند.

نکته دیگری که در رابطه با اعتراضات مردمی وجود دارد و این قطعنامه به آن اشاره میکند سازمان یابی و تشکل یابی این اعتراضات است. این حلقه ضعیفی است که ما در دور قبل اعتراضات هم شاهد آن بودیم و قطعنامه به آن اشاره میکند. در این فضای تازه ای که ما بعد از انقلابات شاهد آن بوده ایم که مردم می آیند و میداین اصلی شهرها را در کنترل خودشان میگیرند، متکی بر اجتماعات خودشان تصمیم میگیرند و به این ترتیب میخواهند بر اراده و سرنوشت خودشان تاثیر بگذارند. قطعنامه دارد تاکید می کند که در تمام مراکز تولیدی و مراکز کارگری مجمع عمومی تشکیل بشود که مردم بتوانند هم ظرفی برای سازمان یابی اعتراضات خود بوجود بیاورند و هم اینکه بتوانند از این طریق بر سرنوشت خودشان تاثیر گذاری مستقیم داشته

جمهوری اسلامی را دور بزنند و یا جایگزین کنند. البته این به این معنا نیست که صد در صد از جمهوری اسلامی قطع امید کرده اند. پراگماتیست هستند و بالاخره روزانه سیاست خود را اتخاذ میکنند. ولی یکی از فاکتورهای اوضاع بنظر من این است.

طبق معمول اتفاقی که در این شرایط سیاسی می افتد این است که قطب بندی و صف بندیهای تازه ای شکل می گیرد. عده ای در رکاب جمهوری اسلامی میخواهند شمشیر بزنند و در مقابل تهاجم "بیگانگان" در کنار جمهوری اسلامی قرار می گیرند. نیروهای ملی اسلامی که بیانیه های زیادی هم در این مورد داده اند بخشی از این جریانها هستند. بخشی هم نیروهایی هستند که میخواهند روی بمب ناتو بیایند و در ایران قدرت را بدست بگیرند و موافق تهاجم نظامی غرب هستند و

چون بوی الرحمن جمهوری اسلامی را شنیده اند اینجا و آنجا کنفرانس هایی برگزار می کنند. فرضا در کنفرانس اولاف پالمه در سوئد جمع شدند و فکر کردند شاید بتوانند آلترناتیو و یا سناریویی مشابه لیبی را در ایران پیاده بکنند. به هر حال در مقابل همه این شرایط این قطعنامه بحث روشنی دارد و میگوید پاسخ انسانی و صریح و سریع به این شرایط سرنوشتی جمهوری اسلامی به نیروی انقلاب خود مردم است و همان شعاری که من اینجا گفتم. خط حزب کمونیست کارگری به این معنا منحصر بفرود است. ما در عین حال افشا می کنیم آنهایی را که در این وسط از رژیم دفاع می کنند و همینطور کسانی را که میخواهند با سناریوی "رژیم چنج" از بالا و با تهاجم نظامی و کمک غرب بیایند و به قدرت برسند.

یکی دیگر از جنبه هایی که قطعنامه بدان اشاره دارد و از عوارض همین فشارها و بالا گرفتن کشمکشها است مسئله تحریمهای اقتصادی است که همانطور که دیگر رفقا اشاره کردند زندگی مردم را به شدت تحت تاثیر قرار داده است و به

رفقا این قطعنامه را رفیق حمید تقوایی تهیه کرده و به درخواست او من آن را معرفی می کنم. نام آن قطعنامه درباره شرایط اضطراری است. می توانست عنوان آن چیز دیگری باشد و به اعتقاد من این قطعنامه، قطعنامه آن شعار محوری است که ما در سالن کنگره هم نوشته ایم. این قطعنامه "نه جنگ، نه تحریم، نه بمب و نه جمهوری اسلامی" است و اگر قرار است که با این قطعنامه ما چیزی را لانسه بکنیم و در ایران و جوامع غربی به میان مردم ببریم و به زبانهای سوندی، ژاپنی، انگلیسی، ترکی و دیگر زبانهای موجود دنیا بگویم همین شعار است. شعار "نه جنگ، نه تحریم، نه بمب، نه جمهوری اسلامی" شعاری است که بشریت مترقی می تواند خودش در رابطه با مخاطرات کشمکش غرب و جمهوری اسلامی بسیج بشود.

اسم این قطعنامه را گذاشته ایم "اضطراری" چرا که بنظر من یک نکته مهم آن حاد شدن کشمکش بین جمهوری اسلامی و غرب است و این ویژگی خاصی به شرایط سیاسی ایران میدهد. البته به مولفه های دیگری هم در این قطعنامه اشاره شده است. چرا کشمکش غرب و جمهوری اسلامی به این مرحله رسیده است؟ این کشمکش از قبل بوده. حالا چه اتفاقی افتاده است؟ قطعنامه البته وارد توضیح و تبیین اوضاع سیاسی به این معنا نمیشود ولی در دیگر قطعنامه ها ما کم و بیش اشاره کرده ایم. عنوان کشمکشی که بین غرب و جمهوری اسلامی است کشمکش هسته ای نام گرفته است. ولی الان بنظر میرسد در شرایط تازه و بعد از انقلابات در خاور میانه و شمال آفریقا و اعتراضاتی که در سطح جهانی بود و بعد از افول اسلام سیاسی در سطح بین المللی و همینطور قطع امید کردن غرب برای تغییر جمهوری اسلامی از درون بنظر میرسد این فشارها و حاد شدن کشمکشها محتملی است برای ساختن یک آلترناتیو برای جمهوری اسلامی. که

امپریالیستی" که در خارج کشور از سر ضدیت با آمریکا از هر آشغالهایی در دنیا مثل جمهوری اسلامی و اسلامیتها حمایت میکنند یکی دیگر از مولفه هایی هستند که در این قطعنامه به آن اشاره شده است. اگر جنگی هم صورت نگیرد و یا اگر اتفاق بیافتد در هر صورت حزب ما باید مبتکر راه انداختن اعتراضاتی باشد که با شعار "نه جنگ، نه بمب، نه تحریم، نه جمهوری اسلامی" به خیابان بیاید تا ابتکار عمل را از این جریانها غیر اجتماعی و به اصطلاح چپ ضد امپریالیست خارج کند.
(با تشکر از نازیلا صادقی بخاطر پیاده کردن این سخنرانی)

باشند. این یکی از کارهای مهم است و فرضا در کشورهای مختلف که نگاه می کنید مثل سوریه که جنبش و انقلاب مردم هنوز ادامه دارد یکی از فاکتورهای مهم آن این است که مردم به یک درجه ای تشکل دارند. اخباری حاکی از این است که در سوریه مثلا در محلات به یک درجه ای کانونهای مبارزاتی شکل گرفته است که اعتراضات مردم را سازماندهی می کند. ما یک الگوی اینچنینی میخواهیم که در محلات کانونهای مبارزاتی و سازمانیابی بوجود بیاید و همانطور که گفتم در مراکز کار و تولید هم مجامع عمومی شکل بگیرد که به این خلا سازمانیابی پاسخ دهد. مقابله با نیروهای "چپ ضد

زندگی انسانی حق مسلم ماست

مسکن و غذا و پوشاک و درمان و تحصیل با استاندارد قرن بیست و یکم حق تک تک شهروندان است. جامعه ای که در آن آزادی بی قید و شرط است، اندیشیدن بی قید و شرط است، ستم و استثمار و تبعیض علیه شهروندان تحت هر عنوانی ممنوع است. آینده از آن ماست.

زنده باد انقلاب انسانی برای یک جامعه انسانی
زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری ایران



انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!



معرفی قطعنامه "خصوصیات دولت برآمده از انقلاب" در کنگره هشتم

محسن ابراهیمی

رفقا، این قطعنامه ممکن است حداقل از یک نظرهایی نکته جدیدی نداشته باشد اما یک نکته فوق العاده محوری دارد که جدید است و بحث نظری علی العموم هم نیست. توجه به آن، تمرکز روی آن به نظر من، کارهای عملی مهمی را در دستور ما میگذارد. کارهایی که تاثیر دارد حتی در روند انقلاب آتی ایران، تاثیر دارد روی اینکه واقعا بتوانیم مانع شکست این انقلاب بشویم. به این معنا این قطعنامه مهمی است. انقلابها را معمولا از دو سر باهاش مقابله میکنند. از دو سر شکستش

میدهند: سرکوب و خون پاشیدن روی انقلاب و شکست انقلاب از بغل. خوب، خیلی روشن است که اولین ابزار مقابله با هر انقلابی سرکوب است. ولی جنبشهای امروز، انقلابات امروز نشان داده اند و انقلاب ۵۷ هم نشان داده بود که دستگاههای سرکوب حکومتی که مردم در مقابلشان ایستاده اند و در مقابلشان قیام کرده اند، مثل یک ساختمان کاغذی فرو میریزد. اگرچه این دستگاههای سرکوب هم وقتی فروریخت، بعدا سرکوب همچنان از طریق بقایای نهادهای سرکوب ادامه پیدا میکند. اگر انقلاب نتواند به موفقیت کامل برسد، اگر انقلاب نتواند این نهادهای سرکوب را جارو کند، اگر انقلاب نتواند بطور کامل این نهادها را در هم بشکند، همان نهادها تحت نامهای جدید می آیند و در مقابل انقلاب می ایستند.

ولی راه پیچیده تری برای سرکوب و به شکست کشاندن انقلاب وجود دارد، و آن بوجود آوردن آلترناتیوهاست. میدانیم که وقتی مردم دیکتاتورها را پایین میکشند، وقتی مردم در مقابل طبقه حاکم می ایستند و علیه شان انقلاب میکنند، بعد از اینکه نهادهای سرکوب نتوانستند کاری کنند، بعد از اینکه نتوانستند با دستگاههای سرکوب انقلاب را شکست بدهند، مهمترین کارشان، پیچیده ترین کارشان، کاری که واقعا در آن متبحرند، تجربه تاریخی صدها ساله پشتشان است، آلترناتیو سیاسی درست کردن برای

انقلاب است. آلترناتیو به نام انقلاب، آلترناتیو تحت اتوریته انقلاب، آلترناتیوی که به نام انقلاب است و اینکه میخواند انقلاب را به اصطلاح پیش ببرد ولی کاملا در مقابل انقلاب است و برای نابودی انقلاب است؛ برای حفظ نظام حاکم طبقاتی پیشین است که انقلاب در مقابلش ایستاده است. این قطعنامه میگوید که ما به عنوان یکی از مهمترین وجوه مبارزه سیاسی در مقابل ضد انقلاب و برای پیشبرد و پیروزی انقلاب، باید در مقابل این آلترناتیوها بایستیم. چگونه بایستیم؟

یکی از راههایی که ما میتوانیم از طریق آن اجازه ندهیم آلترناتیوهای سیاسی بورژوازی و طبقه حاکم، ضد انقلاب تحت نام انقلاب بیاید و سر انقلاب را ببرد این است که تصویری از دولت محصول انقلاب به مردم بدهیم؛ دولتی که بالاخره به نام انقلاب متولد میشود، در پروسه انقلاب متولد میشود برای اینکه هر انقلابی موضوع مرکزی اش تسخیر قدرت سیاسی است. هر انقلابی موضوع مرکزی اش سرنگونی قدرت سیاسی است و به یک معنای دیگر تسخیر قدرت سیاسی و استقرار قدرت سیاسی دیگر، قدرت سیاسی خود انقلاب است.

این قطعنامه تماما دارد روی این تمرکز میکند که ما نباید اجازه بدهیم که آن دولتی که از درون انقلاب متولد میشود، آن دولتی که به عنوان دولت ضد انقلابی دوره انقلاب معمولا میخواند سر انقلاب را ببرد، اینرا اجازه بهش ندهیم. اگر بخواهیم این کار را بکنیم باید مردم تصویری از دولتی که انقلابی است داشته باشند. آن توده های وسیعی که قدرت را سرنگون کرده اند، آن توده های وسیع مردم باید تصویر روشن و صریح در رابطه با دولتی که به عنوان محصول انقلاب است داشته باشند. کلاشان سیاسی، شعبده بازان سیاسی که واقعا متبحرند و میدانند چکار میکنند، در مقابل این درجه بالای آگاهی مردم است که نمیتوانند سر انقلاب و انقلابیون کلاه بگذارند. و ما اینجا، در این قطعنامه، در این

رابطه لیستی داریم. خیلی روشن است مردمی که انقلاب میکنند خودشان میدانند برای چه به میدان می آیند. مخصوصا این دوره کاملا روشن کرد که مردم میبایند انقلاب کنند برای نان آزادی و کرامت انسانی. این یعنی زندانی سیاسی باید آزاد گردد. یعنی دستگاههای سرکوب کاملا باید منحل شوند. یعنی اعدام باید فوراً لغو شود. یعنی دستمزد کارگر باید با استاندارد بالای زندگی در قرن بیست و یکم افزایش پیدا کند. یعنی قوانین ارتجاعی کاملا باید جارو شوند. یعنی بیحقوقی زن و تبعیض علیه زن کاملا باید جارو شود. یعنی خفقان سیاسی باید فوراً از بین برود. یعنی حق اعتصاب و تشکل و آزادی بیان و نقد تمام مقدسات فوراً باید جاری شود. اینها از جمله مشخصات دولت انقلابی هستند. مردمی که انقلاب کرده اند باید ملکه ذهنشان باشد که دولتی که سرکار آمده است تمام اینها را باید فوراً پیاده کند. اگر پیاده نکند این دولت ضد انقلابی است، این ادامه ضد انقلاب سابق به اشکال جدید است، آن وضعیتی که ما امروز در کل جهان داریم میبینیم. اگر مردم به این درجه از آگاهی، به این درجه از تصویر روشن از دولت محصول انقلاب به هر نامی که سر

کار آمده است داشته باشند؛ اگر توقع مردم از انقلابشان فقط رفتن دیکتاتورها نباشد؛ تصویر داشته باشند از اینکه دولتی که سرکار آمده باید چکار کند؛ در این صورت، انقلابی که به این شکل پیش رفته است اجازه نمیدهد هر دولتی که سرکار آمده است، هر دولتی که سرهم بندی کرده اند، به عنوان دولت انقلابی خودش را جا بزند. این یکی از ابزارهای مهم پیش بردن انقلاب و تداوم انقلاب است؛ یکی از ابزارهای مهم مانع شدن این است که ضدانقلاب سابق بتواند سر مردم

شیره بمالد. و اما نکته آخرم. این نکته هم در کنار اینها مهم است. اینکه یک شرط دیگر، یک وجه دیگر هم در این رابطه وجود دارد. خیلی روشن است که دولتی که ضد انقلاب سرهمبندی

میکند میخواند با بوروکراسی ای که خودشان بلدند جامعه را اداره کند، میخواند مانع حضور گسترده و دائمی مردم انقلابی در اداره امور شود. به این معنا ما باید اعلام کنیم، این را باید روشن کنیم که این حکومت، این دولت، هر حرکتی میکند، هر آدمی که سرکار میآورد، هر کسی که بالا می آید، همه باید از شوراها مشروعیت بگیرند. تماما باید شوراهای مردم که ارگانهای اعمال اراده و حاکمیت مردم انقلابی هستند نقش داشته باشند. هرکسی، هر نهادی، هر قانونی که از شوراهای مردمی، شوراهایی که بعد از انقلاب یا در جریان انقلاب شکل گرفته اند نشأت نگیرد مشروعیت ندارد و انقلاب در مقابلش می ایستد.

سه خبر از اعتراضات کارگری در ایران

اعتراض زدند و مانع تردد به درون پالایشگاه شدند. اعتصاب و اعتراض کارگران از اول صبح شروع شد و تا ساعت ۲ بعداظهر طول کشید. کافرما و پیمانکار با کارگران وارد صحبت شدند و حوالی ساعت ۱۱ مأموران رژیم حدود ۱۵ نفر از کارگران معترض را دستگیر و بازداشت کرد.

اعتصاب در سازمان آب اهواز

کارکنان سازمان آب اهواز در حرکتی هماهنگ در اعتراض به حقوق پرداخت نشده خود دست از کار کشیدند. مسئولین امر به دنبال آن مجبور شدند که حقوقها را پرداخت کنند.

اعتصاب کارگران شرکت پایندان در عسلویه

در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه دستمزدهای معوقه خود دهها تن از کارگران شرکت پایندان، که مجری طرح فازهای ۱۵ و ۱۶ گاز و انرژی پارس جنوبی عسلویه است، دو روز پی در پی دست به اعتصاب زدند. سرانجام کارگران در مقابل دریافت ۲ ماه از دستمزدهای معوقه خود، به صورت مشروط به این اعتصاب پایان دادند.

اعتصاب کارگران در فاز ۱۵ پارس جنوبی سرکوب شد

کارگران شرکت پناه ساز در اعتراض به عدم دریافت ۴ ماه حقوق و عیدی خود، در مقابل درب ورودی فاز ۱۵ عسلویه دست به اجتماع و

اساس سوسیالیسم انسان است!

"انتخابات" بی برنده و ...

نیروهای نظامی و اوباش تا دندان مسلح خود را آماده کرده بود تا مانع از مداخله مردم شود، تبلیغات "انتخاباتی" به شدت محدود شد و به "کاندیدا" ها اخطار شد تا از حرکتی که امکان دخالت و به میدان آمدن مردم را فراهم کند، بپرهیزند. حضور گسترده نیروهای سرکوبگر رژیم در خیابانها و میدانی شهرها چیزی بجز میزان هراس رژیم از به صحنه آمدن مردم، نبود. دو طرف اصلی درگیر در منازعه "انتخابات"، باند رئیس جمهور و دار و دسته ولی فقیه بودند. تلاش خامنه ای بر این بود که طرفداران دولت را از مجلس کنار بگذارد و احمدی نژاد با تکیه به امکانات و منابع دولتی تلاش کرد تا بتواند مجلس اسلامی را تصرف کند. در ماههای قبل از برگزاری مضحکه "انتخابات" دعواها بالا گرفت. با وجود آمدن رکورد های جدید فقر و فلاکت، بیکاری و بیخانمانی در کنار افزایش دزدی های هزاران میلیاردی دست اندرکاران نظام و افزایش خشم و نفرت مردم، رهبر "رئیس جمهور" به این قناعت رسیدند که برای مدتی بیشتر یکدیگر

از صفحه ۱

را تحمل کنند و بروی هم شمشیر نکشند تا بتوانند سرنگونی جمهوری اسلامی را به تعویق بیندازند. از سوی دیگر این شرایط زمینه مساعدی برای ابراز وجود هاشمی رفسنجانی و "سهم خواهی" جناح سرکوب شده رژیم نیز بوجود آورد. خامنه ای در سخنرانی های متعدد بر وحدت دو جناح، "کش ندادن" پرونده دزدی ها و مخفی ساختن کثافت کاری های رژیم از چشم مردم، تاکید نمود و ناچار شد برای ایجاد وحدت بین اصولگرایان از کمک آیت اله فسیل شده ای مثل مهدوی کنی کمک بگیرد. اما از همان ابتدا دعوا بین مهدوی کنی و مصباح یزدی شروع شد و این "وحدت" کاری بیشتر از ایزوله کردن بیشتر باند هاشمی رفسنجانی و کنار گذاشتن مخالفین و موافقین تند رو دولت از مجلس آتی نتوانست انجام دهد.

تقلب و جعل، مبنای اصلی تمام "انتخابات" های برگزار شده در جمهوری اسلامی بوده است. این پدیده بقدری رایج و بدیهی است که دیگر تبدیل به سوژه ای فکاهی برای دست انداختن و مسخره کردن رژیم

شده و حتی دست اندرکاران نظام هم کوششی برای پنهان کردن آن نمی کنند، همچنانکه نتوانستند بی تفاوتی مردم به روند مضحکه انتخاباتی را پنهان کنند. میزان رای "کاندیدا" ها در مناطق مختلف بسته به نفوذ عوامل خامنه ای و شورای نگهبان، قدرت دولت و وزارت کشور، میزان اخلاص "کاندیدا" به یکی از این دو مرکز قدرت و یا احیانا توافقات انجام شده، اعلام شده است. هر چند که نتیجه تقسیم کرسی های مجلس به نفع خامنه ای است ولی در عین حال او نتوانست باند احمدی نژاد را از مجلس بیرون کند و این را می توان یک شکست برای ولی فقیه دانست. باند احمدی نژاد و مصباح یزدی هم نتوانست اکثریت بدست آورد. در درون حکومت کسی برنده این "انتخابات" نبود و نتوانست رژیم را یک دست و متحد کند، شکاف های حکومتی روز بروز بیشتر می شود. صف بندی های کنونی پایدار نیست، تابع توازن قوا در درون حکومت است و باید منتظر جناح بندی های جدید، شکاف های بیشتر و درگیری های شدیدتر در درون نظام بود.

بحث بر سر دعوای مجلس آتی

از هم اکنون شروع شده است. خامنه ای یکی از نزدیکترین دستیاران خود یعنی غلامعلی حداد عادل را بعنوان نماینده اول تهران انتخاب کرده است و به احتمال زیاد او را در مقابل علی لاریجانی برای کرسی ریاست مجلس قرار خواهد داد. باند برادران لاریجانی، دار و دسته مصباح یزدی و وابستگ ان به بیت رهبری در کمین فرصتی هستند تا گلوی یکدیگر را پاره کنند. هر واقعه ای نظیر مرگ خامنه ای می تواند آنها را به جنگی خونین علیه یکدیگر بکشاند. بسیاری از نزدیکترین همراهان نظام اسلامی از جمله تعدادی از فرماندهان سپاه که خود را از رژیم کنار کشیده اند، منتظر موقعیتی هستند تا وارد صحنه شده و برای "حفظ نظام" با سایر باند ها درگیر شوند. در این میان "اصلاح طلبان" هم بیش از پیش مفتضح شدند. رای دادن هاشمی رفسنجانی و رای دادن خاتمی با هو و جنجال نزدیک ترین یارانشان استقبال شد. توضیحات خاتمی در توجیه رای دادش که گویا به کسی رای نداده است و فقط به نظام اسلامی رای داده است چیزی بجز بیان ترس و نگرانی از انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی

نمود. این هراسی است که نه فقط بر سر اصلاح طلبان بلکه بر فراز تمام است. اوجگیری جنبش سرنگونی طلبی جمهوری اسلامی در سال های اخیر و قدرت گرفتن کمپین هایی همچون مقابله با اعدام و سنگسار، دفاع از مبارزات کارگران ایران، دفاع از برابری زن و مرد، مقابله با کودک آزاری و دفاع از زندان سیاسی برای جمهوری اسلامی آبرویی در افکار عمومی مردم جهان باقی نگذاشته و آنرا در سطح بین المللی منزوی ساخته است. سرکوب، خفقان، فساد مالی و سیاسی رژیم و فلاکتی و نکستی که بر زندگی مردم تحمیل شده است، حکومت را در بن بست قرار داده و ایران را به آشفشانی تبدیل کرده است که هر لحظه ممکن است فوران کند و بساط جمهوری اسلامی را از هم بپاشد. در چنین شرایطی طبیعی است که مجلس اسلامی و سایر نهاد های حکومتی صحنه نزاع ها و کشمکش هایی باشد که خبر از پایان زندگی هر دیکتاتوری بحران زده و در حال زوالی را می دهد. این را کارگران و مردم می بینند و خود را برای نبرد آتی و قطعی با حکومت آماده میکنند.*

مافیای اقتصادی و ماراتون گرانی ...**از صفحه ۱**

با چراغ سبز سازمان های به اصطلاح نظارتی دولت، صورت می گیرد؟ برای رسیدن به این واقعیت که چگونه دست های آلوده ی رژیم در ایجاد گرانی و دامن زدن به مسابقه ی بی رقیب آن دخالت دارد، کافی است نگاهی گذرا به اقتصاد و بازار ایران بیندازیم. تجارت داخلی و خارجی در ایران با پیوندهای پیدا و پنهان به چند خانواده ی مافیایی چند صد نفری می رسد. هر کدام از صنوف بازار را که در نظر بگیریم تشکیل شده از چندصد تاجر عمده که از رانت دولتی و امتیازهای سیاسی برخوردارند و دشمنان به دم یک یا چند آیت الله و آقازاده و پاسدار و وزیر و کیل گر خورده است. این ها صادرات و واردات را بین خودشان تقسیم کرده اند به نحوی که هر شاخه از تجارت در تیول یک آقازاده و یا سردار سپاه است. به عنوان مثال تجارت شکر در دست مکارم شیرازی و تجارت لوازم خانگی و صوتی - تصویری در اختیار خانواده ی رفسنجانی و برنج وارداتی از هند

و تایلند در تیول سپاه و از جمله محسن رضایی است که اتفاقن با برند "محسن" تبلیغ می شود. در نگاه اول تعدادی بازرگان پولدار که پروفرما ها را پر می کنند و مراحل قانونی وروال اداری را طی می کنند، وجود دارند اما یک قدم آن طرف دیگر کسان دیگری پیدا می شوند که از حمایت های ارزی و تخفیف ها و تسهیلات کمکی برخوردار می شوند. چند گام آن طرف تر به کسانی برمی خوریم که نسبت های سببی و نسبی با یکی از آیت الله ها و سران جمهوری اسلامی دارند. نمونه ی دیگری از این دست اندازی به اقتصاد، واردات گوشت های یخی و نهاده های دامی نظیر ذرت و دان مرغ است که توسط مافیایی اداره می شود که برادران لاریجانی در رأس هرم آن چنبره زده اند. این تجارت پرسود توسط آدم های دست چنم و درسایه رصد و مدیریت می شوند. فردی به نام قاسم رنجبر معروف به دکتر رنجبر که از اقوام نزدیک لاریجانی هاست با راه اندازی یک کنسرسیوم که چندین شرکت با نام وی نام رادبرمی گیرد، دریزرگراه نیایش در تهران و خیا بان

اسفندیار، هم باغ زیتون لاریجانی ها را که در حوالی ورامین است سرپرستی می کند و هم آن کشتارگاه بزرگ و صنعتی مرغ سپیدان رادرالیمستان (جاده هراز - کیلومتر ۳۰ آمل به تهران) مدیریت می کند و هم واردات گوشت های برزیلی را در انحصار خود دارد و هم شرکت پخش مواد غذایی محیا را ... این کارتل، درظاهری نام و نشان در قالب شرکت های صوری، نبض بخشی از اقتصاد را در دست دارد. همان طور که درزمینه شکر، بیت آیت الله مکارم شیرازی فعال است و چنان که معروف است درسال های دهه ی ۸۰ کاشف به عمل آمد که شکر موردنیازده سال را وارد کرده و با این کارش موجودیت کشت و صنعت هفت تپه رازیرسوال برده و با این اخلا از یک سو تولید شکر و فرآورده های مرتبط را به رکود کشاند و موجب تعطیلی کارخانجات و بیکاری کارگران شاغل در این صنعت گردید و از سوی دیگر، گرانی فرآورده های قندی را به دنبال داشت. پرواضح است که در این سیستم اقتصادی، همه ی راه ها از روم شروع

و به روم نیز ختم می شود. یعنی هر دو سر طناب در دست سرمایه داران حاکم است. با این وضعیت است که وجود سازمانی مانند سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان، مضحک و خنده دار می شود. سازمانی که هم شریک دزد است و هم رفیق قافله! دراقتصادی که نماینده ی گنبدترین بخش سرمایه داری است، واسطه گی و طفیلی گری وجه غالب می شود و تولید، تعطیل می شود. تازه تعطیل هم نشود فقط عامل پرور شدن همان طفیلی های بی خاصیت میگردد. در این نوع اقتصاداست که رئیس کمیته امداش درهمدان از رشد ۱۳۴ درصدی افزایش زکات خیرمی دهد که در سال ۱۳۹۰ از کشاورزان این شهر دومیلیارد و ۷۸۰ میلیون تومان صدقه و زکات (و بخوان باج) جمع آوری شده است. همین مقام با کمال پررویی اعلام می کند که این پول ها، خرج احداث حسینیه - مسجد - مجتمع های فرهنگی و مذهبی - امام زاده - مرده شورخانه شده است.*

کارگران منگنه ذوب آهن علیه اقدام وزارت اطلاعات اعتصاب کردند

قبلا به اطلاع رساندیم که ۵۰ کارگر اخراجی شرکت منگنه وابسته به ذوب آهن اصفهان در اعتراض به اخراج خود در محوطه کارخانه چادر زده و همراه با خانواده هایشان در تحصن بسر میبرند. طبق گزارش

رفقای خود، دست به اعتصاب زدند. طبق خبر کارگران احضار شده بعد از ساعاتی آزاد شدند. طبق گزارش دریافتی دیگری، کارگران بازنشسته ذوب آهن التیماتوم دادند که اگر دو ماه حقوق معوقه آنها فوراً پرداخت نشود بار دیگر دست به تجمع خواهند زد. در مقابل این التیماتوم به کارگران قول داده شد که همین امروز حقوق آنها

پرداخت شود. حزب کمونیست کارگری به کارگران شرکت منگنه ذوب آهن اصفهان درود میفرستد و اقدام آنها را در حمایت از رفقای اخراجی خود و علیه اقدام سرکوبگرانه وزارت اطلاعات را الگویی برای کلیه کارگران میدانند. حزب کلیه کارگران ذوب آهن را به حمایت از کارگران شرکت منگنه و اعتراض به عمل

سرکوبگرانه اطلاعات فرامیخواند. هزاران کارگر بخش های مختلف ذوب آهن و خانواده های آنها باید درس محکمی به جنایتکاران حکومت بدهند و در مقابل هر اخراج و احضاری قاطعانه و متحدانه اعتراض کنند. نباید کارگران شرکت منگنه و بازنشستگان تنها بمانند. حزب کمونیست کارگری ایران ۱۸ اسفند ۱۳۹۰، ۸ مارس ۲۰۱۲

اعتراضات گسترده در میان کارگران ذوب آهن اصفهان

طبق دو اطلاعیه منتشر شده از سوی حزب کمونیست کارگری ایران ۴۰۰۰ کارگر ذوب آهن اصفهان که روزهای ۱۳ و ۱۴ اسفند دست از کار کشیده بودند، بدنال نوعی عقب نشینی از جانب مدیریت روز ۱۴ اسفند به سر کار خود بازگشتند. این اعتصاب بعد از آن صورت گرفته بود که کارگران متوجه شدند که دولت با نصب اطلاعیه ای در بخش های مختلف این مجتمع زیر قول خود زده و صحبت از تسویه حساب

سالانه با آنان و بازگشت آنان به صورت روزمزی است. طبق گزارش با بر پا شدن اعتصاب گسترده کارگران و فضای اعتراضی در کل مجتمع مدیریت سراسیمه اطلاعیه ای را که بر روی تابلوهای مجتمع نصب کرده بود را توسط نیروهای حراست جمع آوری کرد و به کارگران اعلام کرد که این اطلاعیه واقعیت ندارد و شایعه بوده است! کارگران با این عقب نشینی به سر کارهای خود بازگشتند. در بخشی از اطلاعیه

زحمتکش اعم از رسمی یا قراردادی قرار گیرد. باید سنگر مستحکمی از اتحاد کارگران در مقابل این سیاست جمهوری اسلامی و کل طبقه سرمایه دار شکل داد و دست شرکت های پیمانکار و واسطه را در سراسر کشور و در همه مراکز کوتاه کرد. همچنین در اطلاعیه دیگر حزب کمونیست کارگری ایران که خبر بازگشت به کار کارگران اعتصابی ذوب آهن داده شده آمده است: "همین درجه از عقب نشینی مدیریت نشان میدهد که مقامات تا چه اندازه از اعتصاب در مراکز کلیدی و بزرگ

وحشت دارند. برای کارگران باید روشن باشد که جمع آوری اطلاعیه مدیریت برای وقت گذرانی است و بدون پیگیری خواست کارگران و آمادگی برای دست زدن به اعتصاب مجدد، مدیریت سعی میکند وقت بخرد و از استخدام رسمی کارگران خودداری کند. کارگران باید مقامات را وادار به پاسخ کتبی و روشن درمورد استخدام رسمی خود کنند. مبارزات کارگران پتروشیمی های ماهشهر تجارب بزرگی برای کارگران ذوب آهن اصفهان دارد.

اخباری از اعتراضات کارگری در ایران

تجمع همزمان کارگران مخابرات راه دور در شیراز و تهران

بیش از ۳۰ نفر از کارگران صنایع مخابراتی راه شیراز به نمایندگی از ۳۸۲ کارگر این شرکت، از صبح روز سه شنبه ۹ اسفند در اعتراض به عدم دریافت بیش از ۲۴ ماه دستمزدهای معوقه خود در مقابل وزارت صنایع رژیم در تهران تجمع کرده اند. همزمان بخشی دیگر از کارگران مخابرات راه دور در مقابل استانداری رژیم در شیراز تجمع اعتراضی برگزار نموده اند. کارگران این شرکت اعلام داشته اند در صورت عدم تحقق خواست ها و مطالبات شان از روز شنبه هفته آینده به تجمع اعتراضی خود با تعدادی بیشتر در مقابل وزارت صنایع ادامه خواهند داد. ایلنا روز ۱۱ اسفند خبر داد که نمایندگان کارگران از صبح روز ۱۰ اسفند در اعتراض به عدم دریافت بیش از ۲۴ ماه حقوق معوقه خود در مقابل وزارت صنایع تجمع کرده اند.

ادامه تجمع اعتراضی لوله سازی خوزستان

کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان روز ۸ اسفند دومین روز تجمع اعتراضی خود را در مقابل استانداری خوزستان در اهواز برگزار کردند. اعتراض این کارگران برای پیگیری ۳۵ ماه حقوق معوقه کارگران قراردادی و ۳۰ ماه حقوق کارگران رسمی می باشد. ماموران انتظامی به بهانه امنیت و انتخابات از تجمع کارگران در مقابل استانداری ممانعت بعمل آوردند.

بهمین ۱۲۰ تن از کارگران شرکت مشاورین قدس نیرو هنوز دستمزدهای این ماه را دریافت نکرده اند. مدیر شرکت به کارگران گفته است که فقط ۲۰ درصد دستمزدها قابل پرداخت است. کارگران به این گفته ایشان اعتراض کردند و سرانجام پس از چندین روز اعتراض و پیگیری عوامل کارفرما مجبور به عقب نشینی شده و اعلام داشته اند به دلیل ناتوانی و بحران مالی فعلا قادر به پرداخت همه دستمزدهای بهمین ماه کارگران نبوده و روز یکشنبه فقط بطور متوسط ۲۰ درصد از دستمزدهای بهمین ماه را یعنی مبالغی بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان را به حساب کارگران واریز نموده اند.

در جلو کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کرده و سپس با اقدام به راهپیمایی به سمت فرمانداری حرکت کردند. کارگران در جلو فرمانداری تجمع کرده و خواهان پرداخت حقوق معوقه خود شدند.

۴ ماه حقوق پرداخت نشده کارگران لوله و پروفیل ساوه و کارخانه پروفیل صفا

کارگران کارخانه لوله و پروفیل ساوه و همچنین کارگران کارخانه پروفیل صفا نزدیک به ۴ ماه است که حقوق نگرفته اند. کارخانه پروفیل صفا دارای ۱۳۰۰ کارگر و کارخانه لوله و پروفیل ساوه بیش از ۱۱۰۰ کارگر دارد. کارگران این دو کارخانه در حال حاضر تحت فشار شدیدی از بابت عدم پرداخت حقوق شان مواجه هستند و علیرغم پیگیریهایی که طی اینمدت داشته اند هنوز جوابی نگرفته اند در اعتراض به این وضعیت نزدیک به ۱۰ روز پیش حدود ۲۰۰۰ نفر از کارگران این کارخانهها تجمع اعتراضی داشتند.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه چینی اسپیدار

بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران کارخانه چینی اسپیدار در ساوه در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق معوقه خود در روز دوشنبه ۸ اسفند

با اعتراضات کارگران ۲۱۰ نفر از کارگران فرنخ و مه نخ قزوین به کار بازگشتند

به گزارش ایلنا، بدلیل بحران موجود در کارخانه فرنخ و مه نخ قزوین کماکان ۲۴ ماه دستمزدهای معوقه ۴۴۵ کارگر این کارخانه پرداخت نشده است. این خبر می افزاید که در نتیجه اعتراضات گسترده کارگران این کارخانه، رژیم مجبور به اقداماتی جهت آغاز بکار مجدد این محل گردیده، اما علیرغم این تلاشها همچنان بسیاری از کارگران قادر به بازگشت به کار نشده اند و ۲۴ ماه دستمزدهای معوقه آنان نیز پرداخت نشده است. اکنون ۲۱۰ کارگر این کارخانه جهت بازگشت بکار، به این کارخانه فراخوانده شده اند.

اعتراض کارگران پالایشگاه اصفهان

روز سه شنبه ۹ اسفند کارگران پالایشگاه اصفهان در اعتراض به عدم دریافت حقوق بهمین ماه، پاداش وعده داده شده و عیدی خود، مقابل شرکت سنا اندیشه دست به تجمع و اعتراض زدند. مدیر شرکت و حراست فوراً دخالت کردند و خواستند که با معرفی نماینده و قول پیگیری اعتصاب خاتمه پیدا کند. کارگران به شرط اینکه بلافاصله مطالبات پرداخت شود به اعتصاب خاتمه دادند. مطالبات کارگران روز بعد تماما پرداخت شد.

دستمزدهای معوقه کارگران شرکت مشاورین قدس نیرو

با گذشت بیش از یک هفته از ماه

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

شیث امانی از رهبران کارگری در شهر سنندج از زندان آزاد شد



روز ۱۷ اسفند شیث امانی از چهره های محبوب کارگری در شهر سنندج و عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران بعد از ۵۲ روز از زندان آزاد شد. آزادی شیث امانی را به او و به خانواده اش، به اتحادیه آزاد کارگران ایران و همه انسانهای آزادیخواه تبریک میگویم.

بنا به خبر منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران ساعت ۱۶/۳۰ بعد از ظهر روز ۱۷ اسفند در حالی که شیث امانی در زندان مرکزی سنندج و بی خبر از آزادی اش، در کنار صدیق کریمی نشسته بود، زندانبان خبر داد که وی آزاد شده

به اتحادیه های کارگری در سراسر جهان وضعیت کارگران زندانی در ایران اضطراری است

دوستان! احکام اعتراض وسیع کنیم.

۱- شیب زمانی عضو هیات مدیره گسترش اعتراضات کارگران و وضعیت انفجاری جامعه، فشار و تهدیداتش را بر روی رهبران کارگران هر روز بیشتر میکنند. اخبار آنرا حتما تا کنون شنیده اید. وضعیت اکنون اضطراری است و کارگران زندانی و کارگران و مردم ایران بیش از هر وقت به حمایت سازمانهای کارگری و انساندوست در سراسر جهان نیاز دارند. موضوع بر سر جان و زندگی کارگران زندانی و در بند است. ما توجه شما را به موارد اضطراری زیر جلب میکنیم.

۲- شیب زمانی عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد در زندان سنندج زندانی است. او بخاطر عفونت کلیه در وضع جسمانی وخیمی بسر میبرد. علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه است و در زندان دزفول در جنوب ایران بسر میبرد و اخیرا بیماری قلبی داشته و نیاز به مراقبت فوری پزشکی دارد. رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای شرکت واحد است و بخاطر دیسک گردن و دیسک کمر در خطر فلج شدن است. بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و عضو کمیته پیگیری بخاطر شکنجه های فراوان دچار درد گوش شدید و سردردهای طاقت فرسا شده است. نگاهداشتن کارگران زندانی و زندانبان سیاسی در این وضعیت پخشی از شکنجه مستمر بر روی آنان است. جان این کارگران در خطر است و باید فوراً از زندان آزاد شوند و تحت معالجه و درمان مناسب قرار گیرند.

۳- با گسترش اعتراض کارگران و خصوصا نزدیک شدن اول ماه مه روز جهانی کارگر فشار و تهدید بر روی کارگران افزوده میشود. هم اکنون شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران که در ژانویه امسال در زندان بودند و با اعتراضات خانواده و مردم شهر از زندان آزاد شدند، اکنون برای ۱۵ مارس به دادگاه احضار شده اند.

همان سال دستگیر شده بود، دو سال و نیم حکم زندان صادر شد. پس از آن این حکم در دادگاه تجدید نظر به ۶ ماه حبس تقلیل یافت. بدنبال آن زیر فشار اعتراضات اتحادیه آزاد کارگران ایران و فشار افکار عمومی و سازمانهای بین المللی کارگری تمامی احکام صادره برای شیث امانی و صدیق کریمی و ۱۱ کارگر دیگر هم پرونده آنان، توسط شاهرودی رئیس وقت قوه قضاییه جمهوری اسلامی لغو گردید. اما علیرغم همه

۴- آخرین مورد و تکاندنده ترین موضوع خبر تایید حکم اعدام عبدالرضا قنبری معلم زندانی است. جرم او شرکت در تظاهرات روز ۲۷ دسامبر ۲۰۰۹ در جریان اعتراضات گسترده مردم علیه این رژیم است. میخواهند او را به اتهام ارتباط با سازمانهای "ضد انقلاب" اعدام کنند.

موارد فوق به روشنی اضطراری بودن اوضاع را نشان میدهد. این درحالیست که امروز در ایران دستمزد کارگران حداقل یک دهم خط فقر واقعی در جامعه است و همین دستمزد را در بخش عظیمی از مراکز کارگری بموقع نمی پردازند و بعضا تا دو سال به تعویق می افتد، بیکارسازها ابعاد وسیعی دارد و سال جاری را سال بیکارسازها اعلام کرده اند، ۹۰ درصد استخدام ها در مراکز کارگری به صورت پیمانی و حتی با دستمزدی کمتر از دستمزد تعیین شده دولت است، گرانی بیسابقه و افزایش آن هر روزه است و زندگی کارگران و کل جامعه را به تباهی کشانده است و در برابر این وضعیت اعتراضات گسترده است و محیط های کارگری شکلی انفجاری بخود گرفته است. کارگران نیز از حق تشکل، اعتصاب و حقوق پایه ای خود محرومند و برای دفاع از زندگی و معیشت درگیر جنگی هر روزه با این حکومت است. امروز کارگران و مردم ایران بیش از هر وقت به کمک شما نیاز دارند.

ما خواهان اینیم که به جمهوری اسلامی فشار بیاورید که کارگران زندانی و همه زندانبان سیاسی را فوراً

اینها و پس از گذشت سه سال از این موضوع دادگاه اجرای احکام شهر سنندج امسال حکم ۶ ماه زندان برای شیث و صدیق را به اجرا گذاشت. بدین ترتیب شیث در ۲۶ دی ماه دستگیر و به زندان سنندج انتقال یافت و بدنبال آن در ۱۱ بهمن صدیق کریمی دستگیر گردید و هم اکنون در زندان به سر میبرد.

شیث امانی از زندان آزاد شده است ولی اخبار حاکی از وضع بد جسمی او در زندان بوده است و او نیاز به برخورداری از امکانات در مانی مناسب است. بعلاوه در حال حاضر صدیق کریمی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران، رضا شهابی و ابراهیم مددی از اعضای

از زندان آزاد کند. شاهرخ زمانی، محمد جراحی، ابراهیم مددی، رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده، مهدی فراهی شاندیز، علی نجاتی، شیث امانی، صدیق کریمی، علی اخوان، حسین محمدی، رسول بدآغی، عبدالکریم قنبری از جمله کارگران زندانی هستند و باید فوراً از زندان آزاد شوند. ما خواهان اینیم که از همه این کارگران و فعالین کارگری که برایشان پرونده های قضایی تشکیل شده، فوراً رفع اتهام شود و این احضار و تهدیدات هر روزه پایان یابند. ما از همه شما سازمانهای کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان انتظار داریم که خود مبتکر اقدامی در همبستگی با کارگران زندانی و مبارزات کارگران و مردم ایران باشید. و به هر شکلی که میتوانید، با نوشتن نامه تا اعلام

سندیکای شرکت واحد، محمد جراحی، شاهرخ زمانی و بهنام ابراهیم زاده از اعضای کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، علی نجاتی از اعضای هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه، علی اخوان و مهدی فراهانی شاندیز از فعالین کارگری در تهران، حسین محمدی از فعالین کارگری در شهر دماوند، رسول بدآغی از اعضای کانون صنفی معلمان و عبدالرضا قنبری معلمی که حکم اعدام گرفته است، در زندانند، تمامی این کارگران و همه زندانبان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۱۸ اسفند ۹۰، ۸ مارس ۲۰۱۲

روزی در همبستگی با کارگران ایران به وضعیت اضطراری کارگران در ایران پاسخ دهید.

کارگران در ایران حق تشکل میخواهند، حق داشتن یک زندگی انسانی میخواهند. حضور سرکوبگران مردم، کسانی که میخواهند زیان اسانلو را به خاطر تلاش برای ایجاد سندیکای واحد ببرند، در سازمان جهانی کار مورد اعتراض شدید کارگران ایران است و کارگران در ایران خواهان همان رفتاری با رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی هستند که جهان در قبال آفریقای جنوبی داشت. ما انتظار بیشترین حمایت جهانی از خواستههای کارگران را داریم. کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۲۰۱۲ مارس ۶

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com
00447779898968

شهلا دانشفرد

بهرام سروش

bahram.soroush@gmail.com
0044-7852 338334

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>



بهترین آرزوهایمان برای موفقیت کنگره حزب کمونیست کارگری، بهترین آرزوهایمان برای رفقایمان اینجا و همچنین برای رفقایمان در داخل ایران که علیه جمهوری اسلامی و برای سوسیالیسم و برای آزادی میجنگند را تقدیمتان میکنم.

تنها چیزی که میخواهم بگویم اینست که حتی در کشورهایی مانند کشورهای اروپایی و فرانسه مردم زیادی از نظام سرمایه داری رنج میبرند. بنابراین ما نمیتوانیم بگویم که کمونیسم کارگری جنبشی هست برای ایرانیها یا خاورمیانه، بلکه این جنبشی است برای طبقه مزدی و تمام ستمها. آینده از آن سرمایه داری نیست. آینده از آن سوسیالیسم و طبقه کارگر است.

که من فکر میکنم می توانند موضوع بحث بین ما باشد. اهمیت جنبش آزادیبخش ملی در متن انقلاب جهانی، نقش واقعی اعتقادات مذهبی در همان متن، و نکته سوم، البته، این است که راههای گذر بین سرمایه داری و سوسیالیسم کدامها هستند.

ما همه توافق داریم که سوسیالیسم و کمونیسم آینده انسانیت است. اما ما همچنین باید این کار، این کار عظیم پیش روی خود را، به سرانجام برسانیم.

من امیدوارم که به کمک رفقای شما در فرانسه و سایر رفقای حزب شما در سرتاسر جهان، ما بتوانیم این بحث را عمق ببخشیم، بتوانیم یک پروسه تغییر بین دو سازمان ما و شما را شروع کنیم. شما مطمئنا درسهای زیادی درباره شرایط کشور خودتان و منطقه خودتان به ما یاد خواهید داد و شاید، ما امیدواریم، ما شما را در باره برخی نکات که ما بسیار مهم بشمار می آوریم، قانع کنیم. در لحظه حاضر من می خواهم دوباره شما درود بفرستم و بگویم: زنده باد برادری بین مردم ایران و فرانسه

زنده باد مبارزه بین المللی طبقه کارگر برای سوسیالیسم و کمونیسم*



پاسکال دکمپ
کمونیسم کارگری متعلق به
تمام استثمار شدگان است

من نمیخواهم وقت زیادی بگیرم. من درودهای برادرانه از یک گروه کوچک بنام "پیشگام کمونیسم کارگری" برایتان می آورم (ببخشید من فارسی بلد نیستم، بنابراین این انگلیسی صحبت خواهم کرد)، و



فرانک از فرانسه

ما باید امر سوسیالیسم را به سرانجام برسانیم

رفقای عزیز!

من اینجا هستم تا به کنگره بزرگ شما از طرف کمیته کمونیست انترناسیونالیست تروتسکیست درود بفرستم، و شخصا، من نظر شخصی خود را ابراز خواهم کرد، من میخواهم بگویم تا چه حد تحت تاثیر مهمان نوازی بزرگ شما و گرمی و محبتی که از فضائی ریشه میگیرد که ایجاد آن ساده نیست، قرار گرفتیم؛ و شخصا بخاطر آن از شما تشکر میکنم.

سازمان ما خود را تروتسکیست می نامد. از اینجا شمار مشخصی از تفاوتها در تجزیه و تحلیل و درک بین سازمان شما و سازمان ما ریشه میگیرد. اینجا جای آن نیست و من وقت آن را ندارم که موضوع را باز کنم، اما اساسا سه نکته وجود دارند



آنا ایس (عضو اتحادیه بیکاران
ثروت فرانسه)

نه حمایت از رژیم ایران، نه کف زدن برای غرب

سلام. من از بابت انگلیسی بسیار ضعیف خود بسیار متاسفم. من آنا ایس هستم. من از یک گروه کمونیستی کوچک در فرانسه هستم که نام آن "اتحاد برای کمونیسم" است. قبل از هر چیز من از دعوت شما صمیمانه تشکر میکنم. من افتخار میکنم که سازمان کمونیستی خود را در کنگره شما نمایندگی میکنم.

تخاصم حاضر در باره تحریم نفتی توسط کشورهای غربی چیزی نیست جز یک سند تازه بر بی اخلاقی نظام سرمایه داری در بن بست که زمینه های وقوع یک جنگ علیه بشریت را سرعت میبخشد. این کارگران هستند که قربانی این شرایط هستند و زندگی شان شدیداً به سقوط کشیده میشود.

بلحاظ الترناتیو، ما نباید از رژیم ایران حمایت کنیم، و همچنین، نباید برای غرب کف بزینیم. بلکه ما باید از مبارزه کارگران در سراسر جهان که علیه نظام سرمایه داری میجنگند حمایت کنیم.

من دوست دارم به این کنگره و تمام سازمانهای کمونیستی پیشنهاد کنم که برای تغییر جهت اوضاع بیانیه ای برای پایان دادن به نظام سرمایه داری و بحران آن منتشر کنند. این بیانیه میتواند حول مفاد ساده و کنکرت مثل لغو بدهیها، مصادره بانکها، اعمال مستقیم قدرت توسط استثمار شدگان، آزادی، و غیره شکل بگیرد. تنها صلح، اتحاد، و عزم کمونیستهای انقلابی بدست آوردن معیار و قدرت لازم برای شدت بخشیدن به نبرد علیه سرمایه داری را برای جنبش کارگری ممکن خواهد کرد.

بسیار ممنونم.*

پیامهای مهمانان کنگره بزبان انگلیسی

ترجمه: حبیب بکتاش

سرمایه، و آزادی و ارتجاع در دنیا، چه عجیب و متفاوت خواهد بود اگر انقلاب مردم در ایران صورت بگیرد. تحولات سیاسی در ایران يك مسئله کلیدی برای جنبشهای کارگری و سوسیالیستی در تمام جهان است.

وشما رفقای عزیز! در خط اول تمام انسانیت هستید. این است که من فکر میکنم حمایت از انقلاب سوسیالیستی نوین در ایران بسیار مهم است. این امر يك ضربه سنگین علیه آمریکا و امپریالیسم غربی خواهد بود، که دنبال جنگ طلبی علیه ایران است، و همچنین علیه رژیم وحشی اسلامی. این يك مسابقه علیه زمان است. کدام يك اول اتفاق خواهد افتاد: جنگ یا انقلاب؟ به این دلیل است که من از نیروهای انقلابی مثل حزب کمونیست کارگری و یا از جنبشهای چپ و کارگری متعهد در جهان حمایت میکنم.

متاسفانه فهم این امر مهم و ضروری در میان سازمانهای چپ در دنیا، بخاطر این پدیده نفرت انگیز نسبیست فرهنگی، گسترده نیست. اما در حال رشد است و رشد بیشتری خواهد داشت، رفقای عزیز، اگر شما در سازمانهای جا افتاده کشورهای شرکت کنید. در مبارزه طبقاتی کشورهایی که در آن زندگی میکنید شرکت کنید این مانع تا حد زیادی خنثی خواهد شد. مبارزه طبقاتی بین المللی است و هر جایی که شما بتوانید زندگی کنید و نفس بکشید جریان دارد. مسئله تنها داشتن روابط خوب با جنبشهای کارگری و جنبشهای پیشرفته اجتماعی در جایی که زندگی میکنید نیست؛ شما باید یک بخش طبیعی آن باشید. در این صورت شما توجه زیادتری در میان کارگران معمولی جلب خواهید کرد و درک بهتری از مبارزه مردم ایران برای آزادی، عدالت، و رفاه حاصل خواهد شد. این يك رابطه دیالکتیک بین این امور است.

رفقا من برای شما يك کنگره موفق آرزو میکنم.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران
سرنگون باد رژیم فاشیست اسلامی
زنده باد انقلاب سوسیالیستی در ایران
زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران



یوران گوستاوسون

شما در خط اول انسانیت هستید

(یوران گوستاوسون از اعضای اتحادیه کارگران شهرداری و رابط "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" در سوئد است.)

رفقای عزیز

اسم من یوران گوستاوسون است و من يك فعال کارگری در اتحادیه کارگران شهرداری در سوئد هستم. اتحادیه ما ۶۰ هزار عضو دارد و من سخنگوی بخش استکهلم هستم که ۷۶ هزار عضو دارد. من بسیار خوشحالم و افتخار میکنم که به این کنگره حزب شجاع شما دعوت شده ام و از آن حمایت میکنم.

من حزب کمونیست کارگری و منصور حکمت را از طریق دوستان فوق العاده ام در میان پناهندگان ایرانی در سوئد میشناسم. من در کمپین کنفدراسیون بین المللی اتحادیه ها برای آزادی کارگران زندانی مثل منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهابی، و بسیاری دیگر از زندانیان سیاسی کار کرده ام.

من فکر میکنم این کمپین جهانی برای حمایت از مبارزه کارگران در ایران و برای آزاد کردن رهبران کارگری زندانی و تمام زندانیان سیاسی، یک هدیه کوچک اما مهمی هست که ما، کارگران سایر کشورها، می توانیم به مبارزه شما تقدیم کنیم. نه تنها برای کمک به مردم ایران در جهت سرنوشت رژیم اسلامی و فاشیست، بلکه همچنین برای سوق دادن کل صحنه سیاسی جهان و نیروهای پیشرو سوسیالیستی به جلو، برای بدست آوردن یک پیروزی مهم علیه نظام سرمایه داری و امپریالیسم.

فقط تصور کنید رابطه بین کار و

انترناسیونال

را بخوانید و وسیعاً تکثیر و
پخش کنید

هشت مارس ۲۰۱۲ پیام مینا احدی از مزار رزا لوکزامبورگ کمونیست برجسته آلمانی خطاب به زنان و مردم دنیا



هشت مارس روز جهانی زن از راه میرسد. فردا مینا احدی در برلین با حضور در مزار رزا لوکزامبورگ پیامی خطاب به زنان مصر تونس و ایران و زنان دنیا خواهد داد. پس از آن مینا احدی سخنران يك میتینگ در مرکز شهر برلین در ساعت پنج بعد از ظهر در الکساندرپلاتز است. امسال در شرایطی به استقبال این روز میرویم که دنیا از همیشه بیشتر آماده پذیرش نقد کمونیستی و آماده تغییر و تحولات اساسی است.

امسال در دنیا ۹۹ درصدیها به خیابان آمده و علیه يك درصد مفتخور و چپاولگر و علیه دیکتاتورهای زمان اعلان جنگ کرده اند. در صف اول این مبارزات زنان ایستاده اند. ستم بر زنان و تحمیل بی حقوقی بر زنان يك لکه ننگ بر پیشانی بشریت است و عامل اصلی این بی حقوقی نظام استثمارگر سرمایه داری است.

امسال اما هشت مارس يك ویژگی دیگر نیز دارد. به همت انقلابات مردمی، به عمر چندین دیکتاتور پایان داده شد. این يك واقعه مهم در دنیا است. در مصر و تونس و لیبی و سوریه مردم نبرد جانانه ای را علیه حکومت‌های دیکتاتور به پیش بردند و کیست که نداند این انقلابات بدنبال انقلاب عظیم مردم و جوانان در ایران بر علیه حکومت فاشیست اسلامی به راه افتاد و همگان منتظر رسیدن موج این انقلابات به ایران و سرنگونی حکومت ضد زن و فاشیست اسلامی هستند. ما زنان که تجربه خونین سی و سه سال حکومت ضد زن اسلامی را داریم، امسال هشت مارس حرفهای زیادی داریم که خطاب به زنان و مردم این کشورها بازگو کنیم. هشت مارس امسال پیام ما به زنان در مصر و تونس

و ... اینست که نگذارید جنبش اسلامی انقلاب برحق شما را به شکست بکشاند، پیام ما اینست که هر درجه دخالت مذهب و اسلام و قوانین اسلامی به معنای اعلان جنگ با زنان و سنگسار و اعدام و قتل ناموسی و دستگیری و شلاق و تجاوز به زنان است. پیام ما اینست که سران حکومت اسلامی و فراخوان دهندگان قتل زنان و فتوا دهندگان اسلامی علیه زنان در این کشورها باید فوراً دستگیر و محاکمه شوند. این پیام را از سر مزار رزا لوکزامبورگ فردا هشت مارس خطاب به زنان در دنیا اعلام خواهیم کرد.

هشت مارس يك سنت چپ و متعلق به جنبش کمونیستی و برابری طلبانه زنان است. امسال هشت مارس با تجدید پیمان با زنان رزمنده ای که با جانفشانی و فعالیتهای خستگی ناپذیر، از برابری و حقوق انسانی زنان دفاع کرده و رهبران لایق مبارزات زنان و کارگران و مردم ستمدیده بوده اند، با ادای احترام به کمونیست‌هایی که در آرامگاه شهربرلین در کنار رزا لوکزامبورگ آرامیده اند، خطاب به آنها خواهیم گفت که اکنون رسانه های رسمی از اینکه مارکس حق داشت حرف میزنند و اکنون نگاهها یکبار دیگر به سوی شما رهبران آزادیخواه و مدافع حقوق محرومان جلب شده است.

زنده باد مبارزات برحق زنان بر علیه نابرابری جنسیتی
زنده باد همبستگی بین المللی زنان
علیه تبعیض (سازمان دفاع از حقوق زن)
۷ مارس

جمعیتی که هر لحظه بر تعدادش اضافه میشد و در عصر این روز به بیش از هزار نفر رسید. جمعیتی که با سردادن شعار زنده باد هشت مارس، زنده باد روز جهانی زن این روز را در فضایی پر از شور و شوق جشن گرفتند. زنده باد مردم سنندج. در کامیاران نیز جمعی از جوانان و مردم آزادیخواه در محل پارک شهر بازی این شهر جمع شدند و این روز را گرامی داشتند.

اطلاعیها و قطعنامه های منتشر شده به مناسبت هشت مارس نیز به راستی انعکاسی واقعی از خواستههای رادیکال و انسانی مردم ایران علیه تبعیض علیه زنان و برای داشتن يك زندگی انسانی بود. قطعنامه هایی که به روشنی کيفرخواستی بود علیه توحش سرمایه داری و نابرابری هایش. در هشت مارس امسال ما شاهد صدور بیانییهایی از سوی تشکلهای کارگری چون اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن برق و فلزکار کرمانشاه و جمع هایی از کارگران سنندج بودیم که در آنها ضمن گرامیداشت این روز مهم کارگران به گرامیداشت این روز مهم کشورهای مختلف نیز هشت مارس در جمعیتهای بزرگ و کوچکی برگزار شد. در کشورهایی چون سوئد، نروژ، کانادا، آلمان، فرانسه، ترکیه، و بسیاری دیگر نقاط جهان شاهد تجمعاتی بمناسبت هشت مارس روز جهانی زن بودیم. گزارشات آنها متعاقباً در سایت های مختلف منتشر خواهد شد.

در حال هشت مارس امسال، گرچه ابعاد عظیمی نداشت اما مهر نسل جوان امروز و دنیای متحول امروز را بر خود داشت. رادیکال، رزمنده و بی تخفیف بود. و يك نشان روشن آن انتشار تقویم انقلابیون برهنه بود که بطور واقعی بیان صف بندی آشکار آزادیخواهی در برابر ارتجاع اسلامی و در هم شکستن تابوهایش بود. گزارشات هشت مارس از ایران نیز تماماً هنوز انتشار نیافته است. اما تا همین جا هشت مارس امسال نشان داد که رنگ اوضاع متحول امروز جهان را داشت. دست تمام دست اندر کاران و فعالین برگزاری این روز بزرگ را به گرمی میفشارم.



۸ مارس امسال ... از صفحه ۱ شهلا دانشفر

طوری که تاریخچه زندگی قره العین اولین زنی که در ایران حجاب برگیران کرده بود و دیگر شاعران ایرانی زن خوانده شد. برنامه با مطالب دیگری از قبیل شعر و طنز و آواز خوانی تکمیل شد در این مراسم عکس ها و پوستر های جالبی که تفاوت بین جنبه های مختلف زندگی زن در جوامع اسلام زده و کشورهای دیگر را نشان می داد، جلب توجه می کرد و همین طور بروشوری از معرفی مطالب که با طرح پوستر زیبایی مزین شده بود بین حضار پخش شد. در میان برنامه یکی از دوستان از ضرورت ایجاد تشکل زنان برای مبارزه متحد در برابر هجوم قوانین ارتجاعی به زندگی انسان ها که قربانیان اصلی آن زنان و کودکان می باشد، در ایران صحبت کرد و مورد استقبال قرار گرفت و این جمع تصمیم خود را برای این امر مهم اعلام داشت. همچنین دوستانی از تبعیض هایی که در زندگی بر آنها روا داشته شده بود سخن گفتند. جو رزمنده و هم دلی و انسانیت موج می زد و در پایان مراسم با پذیرایی و رقص مراسم به پایان رسید. و همه با آرزوی برپایی مراسم هشت مارس سال آینده در میدان آزادی تهران، مهمانی را ترک کردند.

در هشت مارس امسال باز هم این سنندج سرخ است که جمعیتی هزار نفره به خیابان ریختند و با شعار و با بلند کردن پرچم نه به تبعیض جنسیتی این روز را گرامی داشتند. بنا بر گزارشی که به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران رسیده است در این روز بنا به فراخوان قبلی کمیته برگزاری هشت مارس در سنندج از ساعت پنج بعد از ظهر صدها نفر از مردم آزادیخواه این شهر در مسیر خیابان ناصر خسرو به طرف میدان انقلاب حرکت کردند و در این میدان گرد آمدند و هشت مارس را گرامی داشتند. حرکتی که بار دیگر سرکوبگران جمهوری اسلامی را غافلگیر کرده بود. و با دهها ماشین و صدها نفر از لباس شخصی هایشان به خیابان ریختند تا جلوی این مراسم با شکوه را بگیرند و نتوانستند.

مریم نمازی با ابتکار ایده انتشار تقویمی به مناسبت ۸ مارس ۲۰۱۲، تحت عنوان "تقویم انقلابیون برهنه" در حمایت از علیا مگدا المهدی فریاد آزادیخواهی علیه تبعیض علیه زن و علیه آپارتاید جنسی و قوانین ارتجاعی اسلامی را جهانی به صدا درآورد. تقویمی که تا همین جا انعکاس گسترده جهانی داشته است و مینا احدی با پیام زیبایش از مزار رزا لوکزامبورگ کمونیست برجسته آلمانی خطاب به زنان و مردم دنیا پیام آزادیخواهی و برابری طلبی را سر داد.

انعکاس این اتفاقات و این حرکت را در آنچه که در هشت مارس امسال در ایران شاهدش هستیم را می بینیم. از جمله جمعی از جوانان عضو حزب کمونیست کارگری در ایران با ارسال پیام و عکس برهنه خود با شعارهای نه به حجاب، نه به تبعیض جنسیتی، نه به حکومت اسلامی، زنده باد آزادی زن، نه به ارتجاع اسلامی، فریادی که مریم نمازی بلند کرده بود را پژواک دادند.

در هشت مارس امسال از چند روز قبیلش زنان و انسانهای آزادیخواه در ایران به استقبالش رفتند و این روز را در جمع ها و محافل خانواده و همسایگان و دوستان جشن گرفتند و شیرینی پخش کردند. يك نمونه از برنامه هشت مارس امسال در تهران جمعی از زنان و مردم آزادیخواه است که گرد هم جمع شدند و این روز را جشن گرفتند. این دوستان در گزارش خود مینویسند:

"مراسم با اعلام يك دقیقه سکوت به یاد ندا آقا سلطان و همه جانداگان راه آزادی شروع شد. سپس شعر زیبایی ازغاده السمان شاعر سوری خوانده شد و تاریخچه ای از روز هشت مارس و همینطور بیانییه ای که دوستان نوشته بودند قرائت شد. بیانیه جمعی از فعالین افغان برای هشت مارس نیز خوانده شد که مورد حمایت حضار قرار گرفت. بحثی بر سر آلبا المهدی و گلشیفته شد و در همین رابطه یکی از دوستان تاریخچه برهنگی و انقلاب جنسی اروپا مطلبی داشت که خواند. همین

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن

مراسم باشکوهی به مناسبت هشت مارس در سنندج برگزار شد

طبق گزارشی که به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری رسیده است، امروز ۸ مارس روز جهانی زن (۱۸ اسفند) بیش از هزار نفر از مردم شهر سنندج در مسیر خیابان ناصر خسرو به طرف میدان انقلاب این شهر گرد هم آمدند و علیرغم حضور صدها نفر از نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، روز جهانی زن را گرامی داشتند. زنان و مردان شجاع سنندج نیروهای مزدور حکومت را گوشمالی دادند و تعدادی از دستگیر شدگان را آزاد کردند.

خود را به محل رساندند و ساعت شش بعدازظهر که جمعیت به بیش از هزار نفر رسیده بود، در گروههای مختلف با سر دادن شعار زنده باد هشت مارس، زنده باد روز جهانی زن! مراسم را در فضائی مملو از شادی و شور و شوق آغاز کردند. در طول مراسم نیروهای سرکوبگر رژیم در مانده و مستاصل از هر حربه ای استفاده کردند که مانع تجمع مردم شوند. در چند مورد به مردم حمله کردند که با حمله متقابل مردم روبرو شدند. زنان آزادیخواه چند نفر از نیروهای لباس شخصی و مزدور رژیم را گوشمالی دادند و آنها را به گریه انداختند. تعدادی از موتور سواران نیروی انتظامی مورد حمله قرار گرفتند و از موتور پرت شدند. نیروهای انتظامی در لحظات اول شروع مراسم چهارنفر را دستگیر کردند، اما مردم معترض آنها را از چنگ نیروهای سرکوبگر آزاد کردند.

طبق آخرین خبر تجمع و حضور مردم تا این لحظه که ساعت شش و نیم به وقت محلی است هنوز با جنگ و گریز در خیابان ادامه دارد. سرکوبگران رژیم چند نفر را دستگیر کرده اند که تا این لحظه از تعداد و مشخصات آنها اطلاعی در دست نیست.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به همه زنان و مردان آزادیخواه سنندج و فعالین این حرکت درود میفرستد و اقدام بزرگ آنها را ارج مینهد.

اخبار تکمیلی را در اطلاعیه های بعدی به اطلاع میرسانیم. گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن زنده باد جنبش آزادی و رهایی زن! زنده باد آزادیخواهان سنندج سرخ! کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۸ مارس ۲۰۱۲ - ۱۸ اسفند ۱۳۹۰

قطعنامه به مناسبت ۸ مارس ۲۰۱۲، روز جهانی زن

کمیته برگزاری ۸ مارس شهر سنندج

گرامی باد ۸ مارس (۱۸ اسفند) روز جهانی زن

۸ مارس (۱۸ اسفند) روز اتحاد و همبستگی زنان سراسر جهان برای مبارزه در راه آزادی و برابری است. این روز در واقع روز بیداری و کیفر خواست نیمی از انسانهای تحت ستم و استثمار جامعه علیه ستم و بهره کشی نابرابری و تبعیض جنسیتی شکنجه و زندان، اعدام و سنگسار، جنگ و نابودی محیط زیست و انواع محرومیت ها و بی حقوقی های تحمیل شده از جانب سرمایه به زنان و مردان کارگر است.

۸ مارس (۱۸ اسفند) روز اتحاد و همبستگی زنان سراسر جهان برای مبارزه در راه آزادی و برابری است. این روز در واقع روز بیداری و کیفر خواست نیمی از انسانهای تحت ستم و استثمار جامعه علیه ستم و بهره کشی نابرابری و تبعیض جنسیتی شکنجه و زندان، اعدام و سنگسار، جنگ و نابودی محیط زیست و انواع محرومیت ها و بی حقوقی های تحمیل شده از جانب سرمایه به زنان و مردان کارگر است. شرایط حاکم بر نیمی از جامعه یعنی زنان ناشی از یک سیستم اجتماعی است که نابرابری ها و فرودستی های بیشماری را به وجود آورده و پروراند است. زنان هر لحظه و هر روز با ستم

دست آوردنش مبارزه می کنیم: ۱. برابری حقوق زنان با مردان در تمام عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، شغلی و خانوادگی و لغو هر نوع قوانین زن ستیزانه و جنسیت محور. ۲. برخورداری زنان از حق انتخاب همسر، طلاق، حق حضانت فرزند و همچنین حق انتخاب نوع پوشش و محل زندگی، حق تحصیل، آزاده سفر کردن به مناطق مختلف. ۳. برداشتن کار تکراری و طاقت فرسای خانگی از دوش زنان و واگذاری آن به خدمات عمومی اجتماعی تا زنان بتوانند به جای بردگی بدون مزد و کار در خانه به صحنه ای اجتماع وارد شوند. ۴. ممنوعیت چند همسری و ازدواج موقت که چیزی جز تن فروشی به شکل رسمی نیست. ۵. لغو مجازات های اعدام و سنگسار. ۶. ممنوعیت هر نوع خشونت اعم از فیزیکی، روانی، جنسی علیه زنان و جرم تلقی شدن آن. ۷. پرداخت بیمه بیکاری به کلیه افراد زیر ۱۸ سال. ۸. ممنوعیت جداسازی ها و سهمیه بندی جنسیتی در کلیه مراکز کاری

برگزاری مراسم روز جهانی زن در کامیاران در کردستان

بنا به خبر دریافتی روز چهارشنبه ۱۷ اسفند، هفتم مارس در پارک شهر بازی کامیاران تجمعی به مناسبت ۸ مارس برگزار شد. در این تجمع قطعنامه ۸ مارس و بیانیه ای خطاب به زنان قرائت شد. فعالین عرصه دفاع از حقوق زنان تاریخچه ۸ مارس را به اطلاع جمع کنندگان

رساندند. این مراسم در میان تبریک و شادباش شرکت کنندگان به همدیگر پایان یافت. جزئیات این مراسم را در اطلاعیه های بعدی به اطلاع خواهیم رساند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۱۸ اسفند ۹۰، ۸ مارس ۲۰۱۲



تحصیلی اجتماعی. ۹. بازداشت، محاکمه تهدید و تعقیب فعالین جنبش زنان و دانشجویی و کارگران را محکوم نموده و خواستار آزادی کلیه زندانیان سیاسی بدون هر قید و شرطی می باشیم. ۱۰. از دواج دختران زیر ۱۸ سال به هر شکلی و یا به هر دلیلی و عقیده ای ممنوع و جرم محسوب شود. ۱۱. ختنه دختران و کودکان زیر ۱۸ سال ممنوع و جرم تلقی شود. ۱۲. مزد برابر در ازای کار برابر زنان و مردان. ۱۳. قتل های ناموسی تحت لوای دفاع از ناموس را محکوم نموده

خواستار مجازات عاملین آن می باشیم. ۱۴. بیمه و حمایت اجتماعی و بهداشتی از زنان معتاد و خیابانی و تن فروش و زنان بی سرپرست و بد سرپرست. ۱۵. به رسمیت شناختن ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن و برگزاری مراسم این روز و برخورداری از حق اعتراض و تشکل بدون هیچ ممنوعیتی. زنده باد دنیای آزاد و برابر زنده باد ۸ مارس کمیته برگزاری ۸ مارس ۲۰۱۲ شهر سنندج

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن

بیانیه جمعی از جوانان عضو حزب کمونیست کارگری ایران به مناسبت ۸ مارس



وحشیانه و قرون وسطایی اسلام را به جامعه تحمیل می کنند. کافی است یک جلد قرآن سوزانده شود تا خیلی از وحوش اسلامی فریاد وامسیتا سر دهند در حالیکه صدها زن و کودک هر روز از زیر تیغ قوانین و سنن وحشیانه اسلام گزرانده می شوند. این درد انسان امروز است. این نظم و توحش سرمایه داری را باید در هم شکست. ما انسانیم و به همین اعتبار، به اعتبار جنبش عظیم خلاصی فرهنگیمان به همه این توحش و ارتجاع سازمان یافته نه می گوئیم. نه محکم ما به ارتجاع اسلامی از دور ترین نقاط افغانستان گرفته تا الجزایر است. صدای ما، صدای علیا مهدیبا و صدای همه جوانانی است که از قوانین و سنن کپک زده اسلامی منجر و متنفر هستند. ما به نفس انسان بودنمان، به نفس ۹۹٪ بودنمان علیه همه این ارتجاع سیاه می ایستیم و به آن یک نه بزرگ می گوئیم و تا سرنگونی حکومت کثیف اسلامی به عنوان راس جنبش ارتجاعی و عقب مانده اسلام سیاسی آرام نخواهیم گرفت و با قدرت مقابله می کنیم.

پرتوان باد ۸ مارس زنده باد جنبش خلاصی فرهنگی زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی مرگ بر جمهوری اسلامی جمعی از جوانان عضو حزب از ایران

زنده باد روز جهانی زن ما جمعی از جوانان(ساکن ایران)، عضو حزب کمونیست کارگری ایران، روز جهانی زن را به همه انسانهای شریف و آزادی خواه و برابری طلب در همه جای دنیا تبریک می گوئیم و آرزوی برقراری جامعه ای برابر، مرفه و آزاد برای همه گان داریم.

روز ۸ مارس سمبل تداوم مبارزه ای آشتی ناپذیر علیه نابرابریهای است که در پرتو وجود سرمایه داری بر جامعه تحمیل می شود. امروز در شرایطی ۸ مارس را برگزار می کنیم، که قوانین و سنن عقب مانده و ارتجاعی اسلامی، بیش از پیش در تلاش است تا زندگی میلیونها زن و مرد در جهان را به گرو خود بگیرد. از شخصی ترین مسائل زندگی فردی گرفته تا ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، اسلام سیاسی تلاش دارد با قلدرمندی و تروریسم و توحش، زندانی بزرگ برای ما بسازد.

جریانانات اسلامی آشکارا وجود و ماهیت اجتماعی انسان را نفی کرده و منزلت زن را به کالای جنسی تنزل می دهند. اسلام در تمامی ابعاد خود، وجود و هویت زن را انکار می نماید و جمعی از آخوندها و آیت اله های مرتجع و عقب مانده، به زور جو پلیسی و نظامی و با استفاده از منابع عظیم مالی که از اکثریت عظیم جامعه می چایند، قوانین

تقویم و ویدئوی زنان برهنه افتخار دیگری نظیر پیام تبریک ایشان به شیرین عبادی را نصب خود کرد. او در اظهار نظر اخیرش نشان داد هر جا که طیف کلاه مخملی ها ساکت باشند و چاقوهایشان را در جیب بگذارند، ایشان افتخار سخنگویی آنان را برعهده خواهد گرفت و دوم اینکه نشان داد که عمق کینه و نفرت او از کادرها و حزب کمونیست کارگری نقطه انتها و پایانی ندارد. آذر ماجدی خود را موظف دیده است که اگر حزب کمونیست کارگری و فعالین سرشناس آن نظیر مریم نمازی هر گونه فعالیتی انجام دادند افشایشان کند. باید بگوئیم که صندلی این گونه افشاگریها قبلا و توسط ضد کمونیستهای دیگری اشغال شده است. توصیه من به آذر ماجدی این است که بجای شاخ و شانه کشیدن علیه حزب کمونیست کارگری قدری با نزاکت سیاسی اظهار نظر نماید. ادبیاتی که در نوشته ایشان علیه مخالفین ماجده و گل شیفته بکار برده شده، با تاختنش به تقویم و ویدئو شامل حال خود ایشان نیز می شود. تقصیر کسی نیست و نیازی به برآشفته شدن هم نیست. ماجده علیا، گل شیفته و چند تن از زنان کمونیست خوشنام و با سابقه را در کنار هم قرار دهید که علیه همان تفکر کپک زده اسلامی اقدام به برهنه شدن کرده اند. تنها پاسخی که به مخالفین این اقدام باید داد همان جملاتی است که آذر ماجدی علیه آنها بکار برده است یعنی: "فی الحال جریانانات شرق زده و ملی اسلامی کپک زده، لمپنیسم شان را در رابطه با این تقویم و ویدئو، جاری سایت های مختلف کرده اند. لمپنیسم و عقب ماندگی این شرق زده های اسلامی احتیاج به افشاء گری بیشتر ندارد. اینها را همه می شناسند و برخورد های کلاه مخملی و لات مابانه شان را در مورد علیا و گلشیفته نیز شاهد بودیم و افشاء کردیم".

جریانانات شرق زده و ملی اسلامی کپک زده، لمپنیسم شان را در رابطه با این تقویم و ویدئو، جاری سایت های مختلف کرده اند. لمپنیسم و عقب ماندگی این شرق زده های اسلامی احتیاج به افشاء گری بیشتر ندارد. اینها را همه می شناسند و برخورد های کلاه مخملی و لات مابانه شان را در مورد علیا و گلشیفته نیز شاهد بودیم و افشاء کردیم". و من این را هم اضافه میکنم که برخوردهای کلاه مخملی ایشان را امروز در مورد زنانی که در تقویم و ویدئو برهنه ظاهر شدند نیز شاهد بودیم. افراد و شخصیتهایی هستند که به حزب کمونیست کارگری انتقاد دارند اما افراد و شخصیتهای باپرنسیبی هستند که هیچگاه به اندازه آذر ماجدی افت و سقوط نکرده اند. (این متن ادیت شده متنی است که قبلا در سایتها منتشر شده) *



انتشار تقویم و ویدئوی زنان برهنه

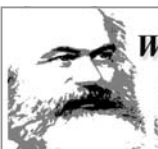
پاسخی به آذر ماجدی عبدالکلپریان

بدنبال انتشار تقویم و ویدئوی زنان انقلابی برهنه، اینبار جریانانات شرق زده ملی اسلامی کپک زده و کلاه مخملی که در جریان برهنه شدن ماجده علیا و گل شیفته پاسخ گرفته و حقیقت گرفته بودند، صدایی از شان بلند نشد اما آذر ماجدی سعی کرد افتخار سخنگویی این جبهه حاشیه ای شده را نصیب خود کند و به این حرکت بتازد. آذر ماجدی در مقابل فعالیت های مریم نمازی که قوانین شرعی را بغل گوش ایشان در سوراخ کرده است هیچگاه سخنی بر زبان جاری نکرده است. آذر ماجدی در مقابل کوئین اسلام سیاسی توسط مریم نمازی و دیگر فعالین و کادری حزب کمونیست کارگری توان اظهار نظر ندارد، اما در نوشته اخیرش دست تمام کلاه مخملی ها را از پشت بسته است. ایشان می گوید که: "فی الحال جریانانات شرق زده و ملی اسلامی کپک زده، لمپنیسم شان را در رابطه با این تقویم و ویدئو، جاری سایت های مختلف کرده اند. لمپنیسم و عقب ماندگی این شرق زده های اسلامی احتیاج به افشاء گری بیشتر ندارد. اینها را همه می شناسند و برخوردهای کلاه مخملی و لات مابانه شان را در مورد علیا و گلشیفته نیز شاهد بودیم و افشاء کردیم".

جریانانات شرق زده و ملی اسلامی کپک زده، لمپنیسم شان را در رابطه با این تقویم و ویدئو، جاری سایت های مختلف کرده اند. لمپنیسم و عقب ماندگی این شرق زده های اسلامی احتیاج به افشاء گری بیشتر ندارد. اینها را همه می شناسند و برخوردهای کلاه مخملی و لات مابانه شان را در مورد علیا و گلشیفته نیز شاهد بودیم و افشاء کردیم".

جریانانات شرق زده و ملی اسلامی کپک زده لمپنیسمشان را در رابطه با این تقویم و ویدئو آنگونه که آذر ماجدی ادعا می کند جاری سایت های مختلف نکرده اند. چرا که این طیف چاقو بدست قبلا و در جریان برهنه شدن تعدادی دیگر از تابو شکنان سر جای خود نشانده شدند. اینبار اما در جریان حقیقت گرفتن آنها، آذر ماجدی افتخار سخنگویی آنان را بر عهده گرفت و به زنانی که در تقویم و ویدئو برهنه ظاهر شده اند تاخت. آذر ماجدی گویا اگر فعالین حزب کمونیست کارگری را از صحنه کنار بگذارید موضوعی برای نوشتن ندارد. بی گمان اگر در میان آن تعداد از زنانی که در تقویم عکس برهنه خود را منتشر کرده اند مریم نمازی را خط بزیند بلافاصله به مدافع بقیه تبدیل خواهد شد. بی شک اگر ماجده علیا و گل شیفته نیز عضو حزب کمونیست

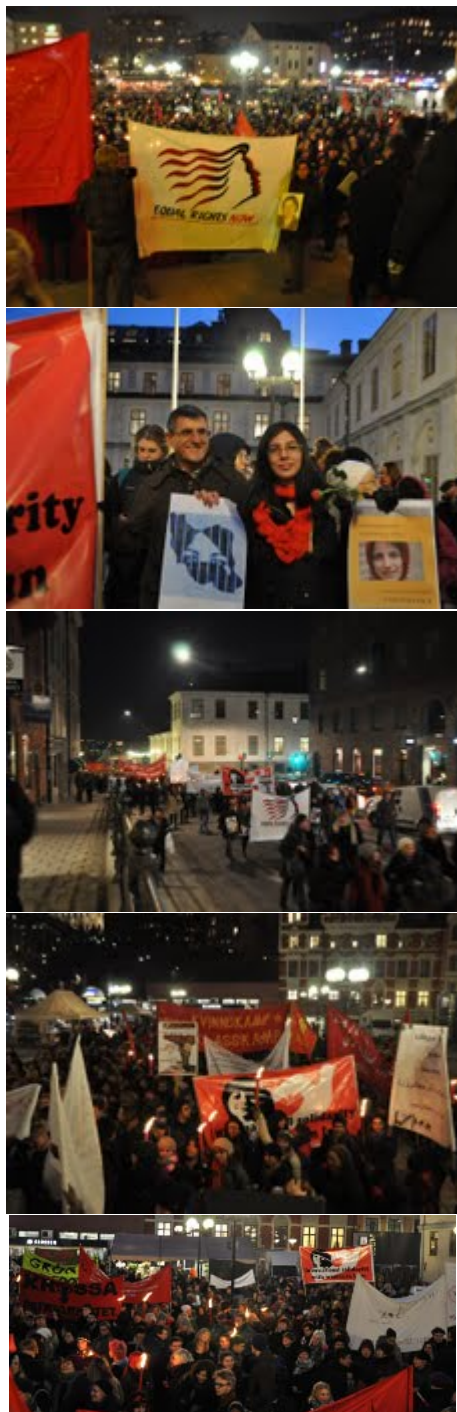
... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلاپی بدل میشود!



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wcpi.org

۸ مارس در استکهلم در سوئد



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

گرفته و آنها را به فقرا کشانده است. همین امروز در هر گوشه زندگی اجتماعی در هر لحظه آن می توان دید که چطور ما دو جنس داریم که یکی بر دیگری برتر است. از راه رفتن در خیابان و نگران تنها به آسانسور رفتن بگیرد، تا مزه کمتر در محیط کار، تا صنعت چند دهه میلیونی فحشاء، تا فحشهای رسمی هر روزه تحت نام خانواده و صیغه، تا هزار تبعیض در خانواده و دادگاه و مدرسه، تا قربانی قتل های ناموسی و اسید پاشی و سنگسار و غیره شدن، و تا اینکه اصولا در بخش عظیمی از دنیا جنایت علیه زنان جزو مذهب رسمی و رکن حکومت و مینای قانون است. دنیای ما چنان زن ستیز است که ما گاه حتی متوجه آن نیستیم، به آن عادت کرده ایم، خود به عامل ناآگاه آن تبدیل میشویم و فکر میکنیم همواره چنین بوده و خواهد بود. اما انقلاب علیا المهدی و شکستن تابوی مربوط به بدن زن تازه قدم اول برای تعرض به کل این وحشی گری عجیب حاکم به جوامع بشری است. کسانی که متوجه این موضوع نشوند به گذشته شوم و نفرت آور تعلق دارند. مستقل از ایسمی که به خود می چسباند کنار حزب الله و طالبان و جمهوری اسلامی و اخوان المسلمین و همینطور کنار کشیش ها و خاخام ها و همه مذاهب و نیر کنار دست راستی ترین نیروها در سراسر جهان قرار میگیرند که اصل خانواده سنتی و برتری مرد و حفظ ناموس مرد و رعایت عفت زن برایشان مقدس است. اینها جایی در آینده ندارند. برعکس آینده از آن جنبش علیاها و الیباها، گلشيفته ها و مریم هاست که در اولین گام های خود با کنار زدن اسلام سیاسی و بویژه با سرنگون کردن جمهوری اسلامی، تا برابری کامل زن و مرد و بگور سپاردن تبعیض علیه زنان، این محصول ننگین جامعه طبقاتی و مالکیت خصوصی، پیش خواهد رفت!

هشت مارس به سبک مریم نمازی: انقلاب علیا المهدی اوج میگیرد!

مصطفی صابر

عکس تعدادی از زنان و مردان جوان ساکن ایران که شعارهایی بر علیه جمهوری اسلامی و زن ستیزی در دست دارند در حمایت از تقویم مریم نمازی منتشر شد که آنهم مورد استقبال روبه تزایدی قرار گرفته است. (این آخری در عین حال دهان بهانه گیریانی که میگفتند "لخت شدن در اروپا کاری ندارد" را بست!)

بدین ترتیب میتوان گفت که انقلاب نوع علیا المهدی، یعنی اعتراض زنان از طریق برهنگی به اخلاقیات و سنت های مردسالارانه که سنگ بنای ایدئولوژی اسلام سیاسی نیز هست، مهر خود را به هشت مارس ۲۰۱۲ زد. از این بابت باید به مریم نمازی و همه دست اندرکاران تهیه تقویم و ویدئو و عکس نامبرده تبریک گفت. در عین حال روشن است که این هنوز تنها شروع یک جنبش و حرکت موثر و تاثیر گذار است. تا همینجا رگ گردن اسلامیتها و اخلاق گرایان و سنتی ها و ایضا لمپن های سیاسی و غیر سیاسی بیرون زده است. کسانی به الله و قرآن رجوع میکنند، کسانی به سنت و عادات جامعه و کسانی هم حتی تحت لوای اینکه خیلی فیمنیست و کمونیست (البته از نوع شرقی و دوم خردادی!) تشریف دارند. ولی همه با هیستری و عصبیت و صد البته فحاشی به امثال ما کمونیست های کارگری سعی میکنند وحشت و نگرانی خود از این تعرض انقلابی جنبش رهایی زن را التیام دهند. ولی انقلاب نوع علیا المهدی يك واقعیت عینی عظیم است. چرا؟ چون نابرابری شرم آور علیه زنان ریشه دار تر از این حرفهاست. تنها يك گوشه كوچك این نابرابری عبارت از تابو بودن بدن زن است. تابو بودن بدن زن نوك كوه یخ كثافت و ارتجاعی است که چند هزار سال است به انحاء گوناگون از انسانها قربانی

وقتی "علیا المهدی" فعال سیاسی مصری با انتشار عکس های لخت خود انقلابی به پا کرد و همه اسلاميون، مرتجعین و اخلاقیون را به هیستری و وحشت فرو برد، مریم نمازی تصمیم گرفت تا تقویمی از تصاویر برهنه زنان انقلابی تهیه کند و بمناسبت هشت مارس، روز جهانی زن منتشر کند. مریم خواست تا اقدام علیا را به سمبل جهانی مبارزه برای رهایی زنان پیوند دهد. پیوندی که البته در نفس عمل شجاعانه علیا المهدی علیه تلقیات مردسالارانه و زن ستیزانه اسلامی و غیر اسلامی وجود داشت، اما مریم به آن شکل بیان روشنی داد. اکنون که فقط يك روز از انتشار آن تقویم میگذرد میتوان گفت که این حرکت موفق بوده است. "تقویم برهنگان انقلابی" مورد استقبال وسیع در میدیای اجتماعی قرار گرفته و روزنامه های بسیاری در سراسر جهان، از اروپا و تا خاورمیانه و حتی شرق دور آنرا منعکس کرده اند و این روند روبه گسترش دارد. بعلاوه همراه با این تقویم، ویدئویی انتشار یافت که در آن الیا تابش و زنان جسور و سرشناس دیگری با نمایش بدن برهنه خود در حمایت از انقلاب علیا المهدی و علیه اسلام سیاسی و اخلاقیات سنتی و ضد زن (با زبان فارسی و زیر نویس انگلیسی) سخن میگویند. این ویدئو نیز در مدت کوتاهی در ورژن های مختلف در یوتیوب و سایت های بسیار دیگر مورد استقبال وسیع قرار گرفته که بازدید کنندگان دو مورد آن بالای صد هزار نفر است. این ویدئو نیز موضوع گزارشات و مقالات بیشماری در سطح جهان بوده و بنوعی مکمل "تقویم برهنگان" محسوب میشود. و بالاخره ساعاتی پیش از نوشتن این سطور

در مصر، تونس، لیبی، افغانستان و همه جا دست اسلامی ها از قانون و دولت کوتاه!

مهمی از تداوم این انقلابات است. هشت مارس روز اعلام انزجار از حکومت های اسلامی و قوانین زن ستیز اسلامی در مصر و تونس و لیبی و در همه جا است. هشت مارس امسال را به صحنه پرشور مبارزه با دست درازی ارتجاع

انقلاب "نان و کرامت انسانی" با مبارزه برای رهایی زن در تونس، مصر، ایران و دیگر کشورها گره خورده است. در انقلابات شمال آفریقا و خاورمیانه، زنان در صف مقدم اعتراض علیه دیکتاتوریها هستند و مبارزه برای آزادی و برابری زنان، وجه

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!